

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۳۰

جمعه ۳۱ شهریور ۱۳۹۶، ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۷



زنده باد کارگران آلومینیوم هرمزگان

کارگران آلومینیوم المهدی در هرمزگان ضمن اعلام همبستگی با کارگران آذربایجان، خواهان برخورد قاطع با مسببین ضرب و شتم آنها شدند. این اقدام بسیار شگوهمند را باید در سراسر کشور به یک سنت تبدیل کرد. صفحه ۲

رفراندوم در کردستان عراق: هشدارها و تهدیدها

گفتگو با حمید تقوایی صفحه ۴

کارگران اراک، همراه با خانواده هایتان اعتراض را به مرکز شهر بکشانید

مردم اراک، از کارگران حمایت کنید
اصغر کریمی از طرف حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۳

به نام نامی مردم، به کام جانیمان و طبقات حاکم!

در حاشیه سخنرانی روحانی و ترامپ و نتانیاهو در سازمان ملل

علی جوادی صفحه ۷

بررسی انقلاب اکتبر

مهمترین واقعه سرنوشت ساز تاریخ مبارزه طبقاتی!
"فاکتها و واقعیات"

پرسش از فاتح بهرامی صفحه ۹

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر صفحه ۶

جنگال بر سر همه پرسی در کردستان عراق

کاظم نیکخواه صفحه ۱۱

دنیای تیره و تاریک حزب حکمتیست

پاسخی به رحمان حسین زاده

کاظم نیکخواه صفحه ۱۲

خبر و نظر

* عشوہ گری در نیویورک، شمشیرکشی در اراک

* جشن پیروزی قاسم سلیمانی و جشن پیروزی ما

* ناقضان حقوق بشر خواهان برخورد قاطعانه با ناقضان حقوق بشر شدند!

صفحه ۸

وحشیگری حکومت علیه کارگران اراک را

محکوم کنید

صفحه ۲

مردم کردستان عراق حق دارند

در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرند

صفحه ۱۳

کارگران هپکو و آذربایجان بار دیگر همزمان

و با قدرت به خیابان آمدند

صفحه ۳

با تمام قدرت از خواستهای زندانیان سیاسی

در گوهردشت حمایت میکنیم

شهلا دانشفر

صفحه ۱۰

بخشی از مصاحبه منصور حکمت با رادیو انترناسیونال

در مورد حقوق زنان

ما فرهنگ مردم را عوض میکنیم

صفحه ۱۴

وحشیگری حکومت علیه کارگران اراک را محکوم کنید

کارگران و مردم آزاده

دیروز و امروز ۲۸ و ۲۹ شهریور گارد ویژه جمهوری اسلامی به تجمع کارگران آذرباب اراک که در اعتراض به بالاکشیدن دستمزدهایشان تجمع کرده بودند با باتوم و گاز اشک آور و گلوله های پلاستیکی حمله کرد و عده ای را مجروح ساخت. جرم کارگران این است که به خیابان آمده بودند تا دستمزدهای خود را که به اندازه یک روز درآمد آیت الله ها و مدیران و مقامات حکومتی نیست مطالبه کنند. آمده بودند تا علیه نپرداختن سهم بیمه خود توسط کارفرما و برای تامین امنیت شغلی صدایشان را به گوش بقیه مردم برسانند و بیرحمانه مورد حمله اوباشان حکومت قرار گرفتند.

این بیشرمی و جنایت حکومت علیه کارگران را کل جامعه باید محکوم کند. نباید اجازه داد مشتبی مفتخور که شغلی جز اختلاس و تحمیل فقر و بی حقوقی به اکثریت زحمتکش جامعه ندارند برای سر پا نگهداشتن حکومت منفور خود دست به هر جنایتی بزنند. دیروز کارگران نیشکر هفت تپه را مورد هجوم قرار دادند و دهها نفر از آنها را به بیدادگاه کشاندند، قبل از آن کارگران آق دره را به شلاق بستند و امروز سرکوبگران خود را سراغ کارگران اراک فرستادند. کارگرانی که بدلیل سرقت ماهها حقوق چندرغازشان حتی امکان تامین حداقل نیاز فرزندان محصل خود را در شروع سال تحصیلی ندارند.



اقلیت حاکم تقویت کرد. جنایت حکومت علیه کارگران نباید بی پاسخ بماند. از کارگران کلیه مراکز کارگری، از بازنشستگان و معلمان، دانشجویان و نویسندگان، هنرمندان پیشرو و ورزشکاران آزاده و از کلیه نهادهای مدافع حقوق انسان میخواهیم حمله به کارگران اراک را قاطعانه محکوم کنید و با خواست معرفی و محاکمه فرماندهان و مقاماتی که دستور سرکوب کارگران را دادند، همبستگی تان را با کارگران معترض آذرباب و هپکو در اراک تقویت کنید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ شهریور ۱۳۹۶،
۲۰ سپتامبر ۲۰۱۷

ما است. کارگران رفاه و امنیت شغلی میخواهند، طب و تحصیل رایگان میخواهند، بیمه بیکاری میخواهند، آزادی اعتراض و اعتصاب و تشکل میخواهند، حرمت و منزلت میخواهند و اینها خواست های شما اکثریت مردم این کشور است. خواست های همه شما کارگران و معلمان و بازنشستگان است. خواست جوانانی است که نه کاری دارند نه بیمه ای به آنها پرداخت میشود. این صف قدرتمندتر از همیشه به میدان آمده است و نقش مهمی در پیشروی کل جامعه دارد. این صف شایسته حمایت همه مردمی است که قصد سرنگونی حکومت ننگین اسلامی را دارند. با تمام قوا باید این صف را علیه

کارنامه این حکومت پر است از جنایت در حق کارگران از شلاق زدن آنها تا زندانی کردن رهبران کارگری و معلمان معترض. حکومتی که میلیارد میلیارد صرف هم پالکی های جنایتکارش در سوریه و عراق و لبنان و فلسطین میکند و تمام سران و مقامات و آیت الله هایش کارنامه ای پر از دزدی میلیاردی دارند. اعتراض کارگران اعتراض همه ما است و حمله به آنها حمله به همه



زنده باد کارگران آلومینیوم هرمزگان

از صفحه ۱

تهران و سایر شهرها با کارگران آتش نشانی بدنبال فاجعه پلاسکو، خواندن سرودهایی که یادآور روزهای انقلاب ۵۷ است و انقلاب آتی را یادآوری میکند در راهپیمایی های کارگران، بیانیه های کارگران و معلمان زندانی و تشکل های کارگری، اینها همه سنت های ارزشمندی است که چهره تازه ای و وزن سیاسی تازه ای به جنبش کارگری داده است. اقدام کارگران آلومینیوم المهدی در نوع خود تازه و بسیار مهم است و مقدمه یک جنبش وسیع همبستگی کارگری است. جا دارد این اقدام توسط کارگران مراکز مختلف کارگری در سراسر کشور و بطور مشخص شرکت های واکن پارس، کمباین سازی و ماشین سازی اراک،

جنبش کارگری در سالهای گذشته به سنت های نوین و شکوهمندی دست زده است. حضور خانواده های کارگری در اجتماعات اعتراضی، همبستگی میان کارگران و معلمان که هرروز عمق و دامنه بیشتری پیدا میکند، همبستگی دانشجویان با کارگران، معلمان و بازنشستگان، مبارزه متحد و همزمان کارگران هپکو و آذرباب اراک، دست زدن به اعتراضات سراسری توسط کارگران مخابرات و فشار قوی برق، معلمان و بازنشستگان و بخش های دیگری از جنبش کارگری، کمپین علیه امنیتی کردن اعتراضات و مبارزه برای آزادی کارگران و معلمان زندانی، همبستگی باشکوه مردم

زنده باد همبستگی سراسری با کارگران اراک

* طبق خبری که به حزب رسیده است شب گذشته ۳۰ شهریور کارگران بازداشتی آزاد شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ شهریور ۱۳۹۶،
۲۱ سپتامبر ۲۰۱۷

به عنوان شیوه ای از همبستگی با هم طبقه ای های خود بدست گرفته شود و هر تعرضی به کارگران با موجی از اعتراض به سرکوبگران و همبستگی با کارگران پاسخ داده شود.

کارگران آذرباب و هپکو اراک شایسته بیشترین حمایتند. باید آمرین و سازماندهندگان حمله به کارگران معرفی و محاکمه شوند. خبرها حاکی از بازداشت ۱۲ کارگر این دو کارخانه است. کارگران بازداشتی باید فوراً و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شوند و به خواست های کارگران باید فوراً جواب داده شود. همبستگی با کارگران آذرباب و هپکو گام مهمی در اتحاد کارگران برای مقابله با سرمایه داران و دولت سرکوبگر آنها است.

زنده باد کارگران آلومینیوم المهدی در هرمزگان

مخالفان قانون جدید کار که تعرضی اساسی از جانب دولت فرانسه علیه طبقه کارگر است، امروز ۲۱ سپتامبر برای دومین بار به خیابان ها سرازیر شدند. مخالفان میگویند این اعتراضات تازه شروع کار است.



کارگران هپکو و آذراب بار دیگر همزمان و با قدرت به خیابان آمدند

تاکید میکنیم. از مردم معترض و آزادیخواه اراک نیز میخواهیم فعالانه از خواست های کارگران حمایت کنند و صف آنها را تقویت کنند. تنها با قدرت نیروی ما و اتحاد و همبستگی و به میدان آمدن کل نیروی ما است که میتوان سرمایه داران و حکومتشان را عقب راند و خواست های خود را به کرسی نشانند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ شهریور ۱۳۹۶، ۱۹ سپتامبر

زحمتکش و خشمگین در اراک و سراسر کشور را نمایندگی کردند. افزایش دستمزد بالاتر از هزینه سبد زندگی، پرداخت فوری حقوق معوقه و رفع مشکلات بیمه کارگران، امنیت شغلی و نیز کار با بیمه بیکاری برای جوانان و بیکاران شهر از جمله مطالبات فوری است که میتواند اکثریت مردم زحمتکش این شهر را علیه ظلم و ستم سرمایه داران و حکومت اسلامی شان متحد و یکپارچه به میدان آورد. ما بار دیگر بر حضور خانواده های کارگری در تجمعات اعتراضی که نقشی کلیدی در تقویت مبارزات کارگران دارد

را که یک دهم حقوق مدیران و مقامات و آیت الله ها هم نیست از حلقوم مفتخوران بیرون بکشند. دهها هزار کارگر و معلم و پرستار و بازنشسته در اراک با مشکلات مشابهی دست و پنجه نرم میکنند، هزاران جوان بیکار و هزاران کارگر بیکار دیگر در این شهر در فقر و محرومیت به سر میبرند و بر متن چنین فضایی در این شهر است که کارگران در راهپیمایی های شهریورماه خود شعار میدادند مشکل ما حل نشه اراک قیامت میشه و با سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، فضای حاکم بر مردم

نتیجه ماند مزدوران گارد ویژه با گاز اشک اور و باتوم به جان کارگران افتادند و تعدادی از کارگران را مجروح کردند. کارگران یک صدا با شعار مزدور بروگمشو در مقابل آنها ایستادند و اعلام کردند که فردا برمیگردند. دوره مرعوب کردن کارگران گذشته است این حکومت است که با مانور ضد «اغتشاشات کارگری» وحشتش از کارگران و مردم به ستوه آمده را به نمایش گذاشته است. وحشیگری امروز حکومت اسلامی علیه کارگرانی که مزد ناچیزشان را هم بالا کشیده اند بی جواب نخواهد ماند.

کارگران این دو کارخانه بارها دست به تجمع و راهپیمایی زده اند تا حقوق چندرغاز خود را که چندین ماه پرداخت نشده دریافت کنند و کارفرماها را وادار کنند سهم بیمه خود را پرداخت کنند. کارگران هپکو از زمستان سال قبل تاکنون دهها بار تجمع و راهپیمایی کرده اند و کارگران آذراب نیز مبارزات خود را از اردیبهشت امسال گسترش داده اند و این چندمین بار است که حدود ۳۰۰۰ کارگر این دو کارخانه به تجمعات و راهپیمایی های همزمان دست میزنند تا چندرغاز حقوق خود

امروز ۲۸ شهریور بار دیگر حدود ۳۰۰۰ کارگر کارخانه های آذراب و هپکو در اراک همزمان به خیابان آمدند تا علیه ظلم و ستم سرمایه داران و دولتشان اعتراض کنند. کارگران هپکو در مجاورت کارخانه سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی" خواندند و کارگران آذراب عبور و مرور در جاده اراک-تهران را متوقف کردند تا صدای اعتراض خود را که صدای میلیونها نفر از مردم علیه فقر و بیکاری و بی حقوقی و فساد و ستم های همه جانبه نظام اسلامی است به گوش دیگران برسانند و حکومت را وادار به پاسخگویی به خواست های خود کنند.

کارگران آذراب که شاهد حضور تعداد زیادی از آرایش حکومت بودند شعار میدادند کارگر بیچاره کتک زدن نداره و با این شعار سروکوبگران دولت را در حضور مردم تحقیر میکردند. فرمانده سروکوبگران خطاب به کارگران و در مقابل این شعار اعلام کرد که هیچکس حق ندارد به شما برخورد کند ولی لحظاتی بعد دستور تیراندازی هوایی داد تا با مرعوب کردن کارگران آنها را عقب براند و موقعی که تیراندازی هوایی هم بی



کارگران اراک، همراه با خانواده هایشان اعتراض را به مرکز شهر بکشانید مردم اراک، از کارگران حمایت کنید

تجمعاتتان را همراه با خانواده هایتان به مرکز شهر بکشانید، مردم شهر را به حمایت از خود فرابخوانید و هرچه میتوانید خبرسانی کنید. خواست هایتان را بر پلاکاردهای بزرگ بنویسید و در معرض دید مردم قرار دهید. نگذارید حامیان حکومت و یا عناصر فریب خورده شعارهای مذهبی سردهند و مردم را از شما دور کنند. اینها کلید جلب توجه و همبستگی مردم و کلید موفقیت شما است. مطمئن باشید که با اینکار مزدوران حکومت را بدرجه زیادی فلج خواهید کرد. با اینکار حمله آویاش سرمایه داران به شما بسیار دشوارتر خواهد شد.

ما نیز در حزب کمونیست کارگری و در تلویزیون کانال جدید با تمام قوا در کنار شما هستیم. دشمنانتان و شرکدهای آنها را افشا میکنیم، خواست هایتان را همه روزه منعکس میکنیم، خبر اعتراضات را بدون وقفه منتشر میکنیم و مردم را به حمایت از شما تشویق میکنیم. از مردم اراک میخواهیم قاطعانه از اعتراضات و خواست های بحق کارگران آذراب و هپکو پشتیبانی کنند.

اصغر کریمی از طرف حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ شهریور ۱۳۹۶، ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۷

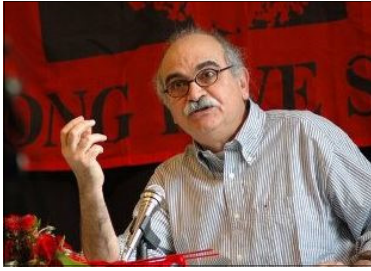
سراسر کشور علیه حکام دزد و جنایتکاری است که برای چاپیدن کارگران به نیروی انتظامی و گارد ویژه و سرکوب و زندان نیاز دارند. به گله ای از آخوندها و آیت الله ها و مسجد و امامزاده برای گمراه کردن و تحمیق مردم نیاز دارند. اما تردیدی نداشته باشید که شعار مزدور بروگمشو علیه گارد سرکوب دولت سرمایه داران که در تجمع کارگران آذراب سر داده شد، فردا توسط میلیون ها نفر در سراسر کشور تکرار خواهد شد. اینرا رهبران جمهوری اسلامی بیش از هر کس میدانند و بیخود نیست که مانور وحشت از اعتراضات کارگری برای آویاششان ترتیب میدهند.

خواست های شما، پرداخت فوری حقوق معوقه، افزایش دستمزد بالاتر از هزینه سبد زندگی، امنیت شغلی، بیمه بیکاری برای یک زندگی انسانی، طب رایگان و تحصیل رایگان، آزادی کامل اعتراض و تجمع و تشکل، خواست کارگران سایر مراکز کارگری و خواست هزاران جوان بیکار و هزاران کارگر اخراجی، خواست هزاران معلم و پرستار و کارمند زحمتکش و بازنشستگان هم هست. مردم اراک با خواست های شما و مبارزه شما همدل و هم جهت هستند و جا دارد قاطعانه از شما حمایت کنند. اما کلید جلب حمایت مردم در دست شما است.

اعتراضات یکساله شما کارگران هپکو و آذراب و وحشیگری حکومت علیه شما، توجه نه تنها مردم اراک بلکه توجه بسیاری از کارگران و مردم در سراسر کشور را به خود جلب کرده است. تجمعات اعتراضی شما در روزهای ۲۸ و ۲۹ شهریور، سرودها و شعارهای شما علیه مزدوران حکومت، اتحاد و همبستگی تان، شهامت و پافشاری تان، همچون نقطه درخشانی برای همیشه در تاریخ مبارزه عادلانه کارگران و مردم علیه حکومت اسلامی سرمایه داران و آویاش آنها ثبت خواهد شد.

شما در طول سالها مبارزه علیه سرمایه داران و دولت آنها و بویژه در طول مبارزات مستمر یکسال گذشته، تجارب ارزنده ای در اعتصاب و تجمع و جلب حمایت مردم بدست آورده اید. اما به موازات این، ماهیت حکومت اسلامی و نقش ارگان های مختلف آن، از سیستم قضایی تا نیروهای مسلح، از وزارت کار و استانداری تا مجلس و دولت و سایر ارگان های محلی و مرکزی حکومت را روشن تر از همیشه شناخته اید. سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی" و شعار "مشکل ما حل نشه اراک قیامت میشه" و یا شعار "یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه"، بیان خشم و نفرت اکثریت مردم کارگر و زحمتکش اراک و میلیونها نفر در

رفراندم در کردستان عراق: هشدارها و تهدیدها گفتگو با حمید تقوایی



با نزدیک شدن تاریخ برگزاری رفراندوم در کردستان عراق، مخالفت خوانی‌ها با آن تشدید شده است. هشدار، تهدید و زبان زور اینروزها فضا را پر کرده است. دبیرکل سازمان ملل آنتونیو گوترش هشدار داده است و خواهان توقف این روند شده است. نخست‌وزیر عراق حیدر عبادی گفته است که در صورت بروز خشونت در برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان به دخالت نظامی متوسل می‌شود. دیوان عالی عراق رفراندوم استقلال کردستان را غیرقانونی خوانده است. علی‌شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران اعلام کرد که جمهوری اسلامی فقط دولت واحد عراق را به رسمیت می‌شناسد و اعلام داشته است که همه گذرگاه‌های مرزی با کردستان را خواهند بست. قاسم سلیمانی در یک اظهار نظر گفته است که دیگر مانع حشدالشعبی برای حمله به اربیل نخواهد بود. اردوغان اعلام کرده است که

آنکارا و بغداد درباره رفراندوم اقلیم کردستان موضع واحدی دارند و دولت ترکیه، تمامیت عراق را برسمیت می‌شناسد. ارتش ترکیه در آستانه برگزاری رفراندوم مانور نظامی برگزار کرده است. در این میان، بنیامین نتانیاهو مجدداً تأکید کرده است که اسرائیل از استقلال اقلیم کردستان و تشکیل «دولت کرد» در شمال عراق حمایت می‌کند. عربستان موضع فعالی ندارد. آمریکا موقعیت پیچیده‌ای در عراق و منطقه دارد و به همین خاطر موضع مبهمی دارد، هر چند گفته است که مخالف برگزاری رفراندوم است. فضای عمومی در کردستان عراق حمایت از برگزاری آن است. احزاب کمونیست کارگری در عراق و همچنین حزب کمونیست کارگری ایران، از برگزاری رفراندوم و ایجاد دولت مستقل کردستان حمایت کرده است. در این رابطه با حمید تقوایی گفتگو می‌کنیم.

خلیل کیوان: شما در اظهار نظرهای قبلی خود از برگزاری همه‌پرسی و ایجاد دولت مستقل کردستان عراق دفاع کرده‌اید. قبل از اینکه در مورد وضعیت حاد فعلی نظر شما را جویا شویم، برای خوانندگان انترناسیونال توضیح دهید که چه تفاوتی بین سیاست حزب و سیاست بازرانی و نتانیاهو در دفاع از برگزاری رفراندوم و تشکیل دولت کردستان وجود دارد؟

حمید تقوایی: نتانیاهو و بازرانی و کلا دولتها و نیروهای ناسیونالیست مدافع استقلال هر یک بدنبال منافع و اهداف ویژه خود هستند. نتانیاهو تصور می‌کند که با استقلال کردستان عراق موقعیت دولتهای مخالفش در منطقه تضعیف خواهد شد و دولت متبوعه‌اش در وضعیت مستحکم‌تری قرار خواهد گرفت. نیروهای ناسیونالیست کرد خواهان تشکیل «کشور خودی»، سلطه بر منابع و بازار ملی کار و سرمایه و «استقلال» بورژوازی کرد در استثمار کارگران «خودی» هستند. این هدف استراتژیک و پایه‌ای بورژوازی استقلال طلب در همه جای دنیا است. در مورد کردستان عراق نیز این امر صادق است.

از سوی دیگر از دیدگاه کارگران و توده مردم زحمتکش، استقلال بعنوان راه حلی برای رفع ستم و

تبعیض ملی، میتواند موضوعیت و مطلوبیتی داشته باشد و در شرایط معینی، نظیر شرایط امروز در کردستان عراق، این تنها راه حل ممکن است. در یک سطح پایه‌ای تری استقلال و تشکیل کشور مستقل میتواند توهما و تعصبات ملی و ناسیونالیستی را کنار بزند و شرایط مساعدتری برای پیشرفت مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی «خودی» فراهم بیاورد. بنابراین اساساً و بطور عمومی بورژوازی و طبقه کارگر اهداف کاملاً متفاوت و حتی متضادی را از حل مساله ملی از طریق رفراندوم و تشکیل کشور مستقل دنبال می‌کنند.

در مورد رفراندوم اخیر در کردستان عراق نیز همین عوامل و اهداف عمومی صدق می‌کنند. در عین حال این رفراندوم در شرایط کاملاً ویژه و بیسابقه‌ای انجام میشود که به نظر من تقابل میان اهداف و سیاستهای کمونیستها و نیروهای ناسیونالیست را بیش از پیش برجسته می‌کند. احزاب ناسیونالیست کرد بیش از ۲۵ سال است که عملاً در کردستان عراق حاکم هستند. در استثمار و بهره‌کشی از کارگران «خودی» و غارت منابع و ثروت جامعه از چیزی فروگذار نکرده‌اند. از سوی دیگر، مساله ستم و تبعیضات ملی و کشمکش میان بورژوازی کرد و

عرب (که در زمان صدام به شدیدترین وجه وجود داشت) عملاً تا حد زیادی حل شده است و این شرایط باعث شده توده مردم در کردستان عراق به ماهیت ضد کارگری و ارتجاعی احزاب ناسیونالیست کرد در تجربه هر روزه خود بیش از پیش پی ببرند. امروز مدتهاست کشاکش و مبارزه طبقاتی در کردستان عراق، مثل هر کشور دیگری، حول مساله سلطه سرمایه دارن مفتخور و مصائبی نظیر بیکاری و فقر و گرانی و تورم و بیحقوقی و بی‌تامینی کارگران و توده زحمتکش مردم، برجسته و قطبی شده است. در این شرایط، طرح استقلال برای احزاب ناسیونالیست حاکم، تلاشی برای عوض کردن صورت مساله و تثبیت موقعیت خود در حاکمیت است. مشخصاً بازرانی در پی آنست که با طرح این مساله حتی اگر به جدائی و استقلال منجر نشود، امتیازات بیشتری از دولت مرکزی بگیرد و بخیال خود موقعیت‌اش در دولت اقلیمی را تقویت کند. از نظر کارگران و کمونیستها بر عکس، استقلال میتواند آخرین توهما نسبت به احزاب ناسیونالیستی را از میان بردارد و شرایط مساعدی برای تقابل مستقیم و رودررو با بورژوازی کرد و احزاب حاکمش را فراهم آورد. از این نقطه نظر، استقلال برای

کارگران حلقه مهمی در تقویت و تشدید مبارزه علیه بورژوازی «خودی» است که نزدیک سه دهه است خون مردم کردستان را در شیشه کرده است. اینکه عملاً در کردستان مستقل شرایط مبارزه چه شکلی بخود خواهد گرفت تماماً به مواضع و سیاستها و عملکرد نیروهای چپ و کمونیست در برخورد به مساله همه‌پرسی و استقلال بستگی دارد. از همین امروز باید بروشنی توضیح داد که چرا و با چه اهداف و خواستهایی باید توده کارگران و مردم زحمتکش در رفراندوم شرکت کنند و بجدائی رای بدهند و در مقابل ناسیونالیستها چه اهداف و منافع را دنبال میکنند. تبلیغ و آگاه ساختن جامعه از این اهداف و سیاستهای متفاوت و متقابل، اولین شمره طرح مساله رفراندوم و جدائی در شرایط امروز عراق است.

خلیل کیوان: حزب کمونیست کارگری از مدت‌ها قبل، در سال ۱۹۹۵ یعنی چهار سال پس از اولین حمله آمریکا به عراق و ویران کردن آن کشور، راه حل مساله کرد در عراق را برگزاری رفراندوم و تشکیل دولت کردستان اعلام کرده بود. آیا همه جوانب سیاست و طرح رفراندوم حزب کمونیست کارگری در آلمان تا امروز بقوت خود باقی است و اکنون شما صرفاً بر آن تأکید می‌گذارید، و یا جوانبی از آن سیاست تغییر یافته است؟

حمید تقوایی: شرایط تغییرات زیادی کرده است اما اساس مساله و موضع ما تغییری نکرده است. به نظر من روند اوضاع در چند دهه اخیر بر حقانیت موضع ما در دفاع از برگزاری رفراندوم و جدائی بیش از پیش صحت گذاشته است.

تا آنجا که به رفراندوم مربوط میشود ما در همه مواردی که مساله ملی وجود دارد - مثلاً در

مورد کردستان عراق و ترکیه و سوریه نیز - خواهان حل این مساله از طریق رفراندوم و رجوع به رای مردم در یک شرایط کاملاً آزاد و دموکراتیک هستیم. اما موضع ما در قبال جدائی یکسان نیست و کاملاً به شرایط مشخص در هر مورد بستگی دارد. ابتدا بگویم که ما حل مساله ملی را تنها به دو شیوه ممکن میدانیم: باقی ماندن مردم تحت ستم ملی در چهار چوب یک کشور بعنوان شهروندان متساوی الحقوق و یا، اگر این راه حل ممکن نبود و یا چشم اندازی برای تحقق آن وجود نداشت، جدائی و تشکیل کشور مستقل. آلترناتیوهای بینابینی نظیر فدرالیسم و خودمختاری و خودگردانی و غیره از نظر ما راه حل مساله ملی و ستم ملی نیست بلکه برعکس عامل تشدید و تثبیت و نهادهنده کردن مساله است.

تا آنجا که به شرایط کردستان عراق مربوط میشود اساساً بخاطر وضعیت بهم ریخته جامعه و فعال مایشائی نیروهای فوق ارتجاعی اسلامی و قومی و ناسیونالیستی در کل کشور عراق، مساله ماندن در چارچوب یک کشور بعنوان شهروندان متساوی الحقوق اساساً موضوعیتی پیدا نمیکند. این یک دلیل پایه‌ای ما در حمایت از جدائی کردستان از عراق است. امروز فاکتور دیگری نیز به این شرایط اضافه شده است: حاکمیت احزاب ناسیونالیست و فقر و بیحقوقی که در نزدیک سه دهه بر جامعه حاکم کرده‌اند، توده کارگر و مردم زحمتکش کردستان عراق را مستقیماً و بلاواسطه رودرروی احزاب «خودی» قرار داده است و جدائی میتواند این تقابل را به نفع کارگران و توده مردم کاملاً تغییر بدهد. بعنوان مثال سرنگونی دولت اقلیمی و خلع ید اقتصادی و

فراندم در کردستان ...

از صفحه ۴

سیاسی از بورژوازی در بخشی از کشور عراق قابل تصور نیست ولی در کشور مستقل کردستان این مبارزه کاملاً موضوعیت پیدا میکند، بجلورانده میشود و در محور قرار میگیرد. ما کمونیستها همیشه حل مساله ملی را یک پیش شرط رشد و تعمیق مبارزه طبقاتی در میان "ملت" تحت ستم دانسته ایم و شرایط امروز کردستان عراق یک نمونه بارز این واقعیت است.

خلیل کیوان: عده ای معتقدند برگزاری همه پرسی و تشکیل دولت کردستان به قدرت گیری بیشتر احزاب ناسیونالیست - که مردم کردستان از حاکمیت آنها رنج بسیاری کشیده اند و از آنها متنفرند- منجر خواهد شد و لذا حمایت از برگزاری فرماندم، در خدمت مستحکمتر کردن تسلط حاکمیت ارتجاعی ناسیونالیست ها بر مردم کردستان خواهد بود. در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: ممکن است جدائی در کوتاه مدت و بطور موقت و گذرا رونقی به کار احزاب ناسیونالیستی بدهد ولی ورق به سرعت بر خواهد گشت. به نظر من قرار گرفتن احزاب حاکم در کردستان به عنوان یک دولت مستقل به رسوائی و بی اعتباری و تضعیف هر چه بیشتر موقعیت آنها منجر خواهد شد. کما اینکه تغییر موقعیت این احزاب از اپوزیسیون دولت مرکزی در زمان صدام به دولت اقلیمی، آنها را در میان توده مردم بسیار رسواتر و بی آبروتر کرد. تشکیل دولت مستقل آخرین حلقه در این سیر قهقرائی بورژوازی کرد و پچالش کشیده شدن تمام و کمال او از جانب طبقه کارگر و توده مردم زحمتکش خواهد بود. همین امروز در موارد مختلفی- نظیر عدم پرداختن حقوق کارمندان دولت که مدتهاست به یک مساله مزمن و مورد اعتراض مردم تبدیل شده- دولت اقلیمی دولت مرکزی را بعنوان عامل و مسئول اصلی این وضعیت بمردم نشان میدهد. در مورد تجارت خارجی و

فروش نفت و کلا وضعیت ناسامان اقتصادی نیز سیاستهای دولت مرکزی بهانه و دستاویز همیشگی احزاب حاکم در کردستان بوده است. عبارت دیگر نفس تعلق اقلیم کردستان به کشور عراق و بهانه رابطه "نا برابر" و "غیر منصفانه" با دولت مرکزی - دولتی که ارگانهای مختلف آن بین سنی ها و شیعیان و کردها تقسیم شده و رئیس جمهورش رهبر یکی از احزاب اصلی ناسیونالیستی کرد است - همچنان به احزاب ناسیونالیست کرد امکان میدهد روی تعصبات و سابقه نفرت ملی بین کرد و عرب سرمایه گذاری کنند و آنرا در خدمت تشییع موقعیت خود بکار بگیرند. استقلال به این داستان پایان خواهد داد.

خلیل کیوان: چند روز به برگزاری فرماندم باقی مانده است. دول و نیروهای مخالف آن، هنوز به فشار سیاسی و دیپلماتیک برای ممانعت از برگزاری فرماندم امید بسته اند. احزاب ناسیونالیست کرد که امروز خواهان برگزاری فرماندم هستند، در دوره های مختلف تاریخی، چرخش های زیاد و سازش های متعددی داشته اند. آیا ممکن است در روزهای باقیمانده شاهد چرخش و تغییری در سیاست برگزارکنندگان فرماندم باشیم که به عقب نشینی آنها منجر شود و به این ترتیب روند تحولات بسمت دیگری سوق یابد؟

حمید تقوایی: به نظر من هنوز بیشترین احتمال تعویق آن است. قبلاً در سال ۲۰۱۴ نیز مسئولین دولت اقلیمی اعلام کردند که همه پرسی حول خواست جدائی برگزار خواهند کرد اما، در مذاکره با دولت مرکزی این تصمیم را لغو کردند. در مورد اخیر نیز مسعود بارزانی در گفتگو با وزیر دفاع بریتانیا که برای ابراز مخالفت دولت متبوعه اش با همه پرسی به اربیل رفته بود اعلام کرد که در صورت اینکه مذاکره بر سر مساله استقلال در دستور دولت مرکزی عراق قرار بگیرد و از جانب نهادهای بین المللی آغاز و تداوم

این مذاکرات تضمین بشود، میتوان فرماندم را به عقب انداخت. باید توجه داشت که دولت آمریکا نیز مذاکره با دولت مرکزی عراق را بعنوان آلترناتیو همه پرسی پیشنهاد کرده است. بارزانی در واقع خواهان آنست که دول غربی دولت عراق را وادار کنند بر سر میز مذاکره با دستور استقلال بنشینند. احزاب ناسیونالیست کرد تصور میکنند در چنین صورتی خواهند توانست امتیازات بیشتری از دولت مرکزی بگیرند.

خلیل کیوان: دولت آمریکا اعلام کرده است که فرماندم در شرایط حاضر بر مبارزه علیه داعش تاثیر نامطلوبی دارد" و از این بابت ابراز نگرانی کرده و با آن مخالفت کرده است. آیا این صرفاً یک موضع دیپلماتیک و تاکتیکی است؟ آیا از این میتوان نتیجه گرفت که دولت آمریکا از لحاظ استراتژیک و اصولی با جدائی کردستان عراق مشکل چندانی ندارد؟

حمید تقوایی: مانورها و اهداف دیپلماتیک دولت آمریکا هر چه باشد در این تردیدی نیست که سیاستهای منطقه ای دولت آمریکا از زمان جنگ خلیج تا امروز شرایطی را در منطقه فراهم آورده است که یک نتیجه آن بجلورانده شدن و مطرح شدن مساله استقلال در کردستان عراق است.

با حمله آمریکا به عراق در سال ۱۹۹۱، نیروهای ناسیونالیست کرد در منطقه کردستان عراق بقدت رسیدند و از آن زمان بعنوان متحدین و پیروان سیاست دولت آمریکا در منطقه عمل کرده اند. این اتکا به دولت آمریکا اولین و مهمترین فاکتور در طرح استقلال از جانب این احزاب است. عامل دیگر گفتمان خاورمیانه بزرگ و تقسیم عراق به سه کشور است که از جانب دولت بوش پسر در سال ۲۰۰۵ مطرح شد و بعنوان یک گفتمان و چشم انداز استراتژیک مورد بحث و بررسی صاحب نظران سیاسی قرار گرفت. و بالاخره باید از جنگ نیروهای پیشمرگ در عراق و در سوریه علیه داعش در چهارچوب سیاست منطقه ای دولت آمریکا و تحت رهبری آن دولت نام

برد. (این یکی از دلایلی است که دولت آمریکا طرح مساله استقلال را به ضرر مبارزه علیه داعش ارزیابی میکند).

با توجه به این فاکتورها میتوان گفت سرمنشاء طرح استقلال از جانب ناسیونالیسم کرد سیاستهای دولت آمریکا و متحدینش در دو دهه اخیر بوده است. بورژوازی کرد در عراق خواست استقلال را ادامه منطقی سیر تحولات منطقه و منطبق با طرح "خاورمیانه بزرگ" و گفتمان "تقسیم کشور عراق به سه بخش" میدانند و تصور میکند در نهایت و از لحاظ استراتژیک دولت آمریکا را در کنار خود خواهد داشت. ممکن است این بار نیز بخاطر مخالفت و ابراز نگرانی دولت آمریکا و دیگر دول غربی و منطقه ای بارزانی و سایر نیروهای ناسیونالیست کرد از طرح فرماندم و خواست جدائی دست بکشند ولی غولی که رها شده را نمیتوان دوباره در شیشه کرد. حتی طرح صرف نظر کردن از همه پرسی به شرط آغاز و ادامه مذاکرات با دولت مرکزی عراق بر سر مساله استقلال با نظارت دول غربی - موضعی که اخیراً بارزانی اعلام کرده است- به معنی زنده نگهداشتن این خواست و صرفاً به عقب انداختن آن تا شرایط مساعد تری است.

خلیل کیوان: دولت های ترکیه و جمهوری اسلامی به شدت با فرماندم مخالف هستند و حتی به تهدید نظامی متوسل شده اند. آیا ممکن نیست این مساله به جنگ و درگیری تازه ای در منطقه منجر بشود؟ برخی میگویند به این دلیل باید از برگزاری همه پرسی اجتناب کرد. نظر شما چیست؟

حمید تقوایی: دولت های ترکیه و ایران و مشخصاً جمهوری اسلامی سابقه سیاه و جنایتکارانه ای در سرکوب مردم کردستان دارند. این خط و نشان کشیدنیهای نظامی نیز بخاطر هراس و وحشت آنها از مطرح شدن و الگو قرار گرفتن همه پرسی در دیگر مناطق کردستان است. دولت سوریه هم دقیقاً بهمین دلیل با آن مخالف است. به نظر من همه نیروهای چپ و آزادیخواه موظفند با این

تهدیدات نظامی مقابله کنند. اینجا يك مساله پایه ای و عمومی و فراتر از شرایط امروز کردستان عراق مطرح است. بحث بر سر حق پایه ای مردم تحت ستم ملی برای برگزاری فرماندم و تصمیم به جدائی در هر جای دنیا و در هر شرایطی است که مساله ملی وجود دارد. هیچ دولت و نیروئی حق ندارد علیه مردمی که میخواهند در يك همه پرسی آزادانه و دموکراتیک در مورد باقیماندن در چهارچوب يك کشور و یا جدائی از آن تصمیم بگیرند، به تهدید نظامی متوسل شود و یا حتی به اعمال فشار دیپلماتیک و اقتصادی دست بزند. فرماندم میتواند به هر دلیلی به عقب بیافتد ولی تسلیم شدن به این نوع تهدیدات و خط و نشان کشیدنها نمیتواند و نباید جزء این دلایل باشد. برعکس باید با تمام توان در برابر این مواضع و سیاستهای فوق ارتجاعی ایستاد و آنرا به عقب راند.

خلیل کیوان: فرماندم در کردستان پیامدها و تاثیرات ژئوپولیتیک گسترده ای را با خود به همراه خواهد داشت. يك کشور کردستان که پایگاهی برای آمریکا و متحد اسرائیل باشد اوضاع را بنفع اسرائیل و حضور آمریکا در منطقه متحول خواهد کرد. شما پیامدهای تشکیل دولت مستقل کردستان بر کشورهای منطقه را چگونه می بینید. پیامدهای این رویداد در ایران و بویژه در کردستان ایران چه خواهد بود؟

حمید تقوایی: مسلمانان استقلال کردستان شرایط ژئوپولیتیک منطقه را تغییر خواهد داد اما، لزوماً این تغییرات به نفع اسرائیل و آمریکا نخواهد بود. دولت آمریکا هم اکنون کنترل چندانی بر تحولات منطقه ندارد و کلا سیاستهایش در سوریه و افغانستان و حتی خود عراق به بن بست رسیده است. از سوی دیگر بلوک بندیهای منطقه ای بین دولتها و نیروهای هار و فوق ارتجاعی اسلامی در منطقه شکل گرفته است و دولت آمریکا و همچنین روسیه، که به يك بازیگر اصلی در منطقه بدل شده، میکوشند از طریق این

کارگران در هفته ای که گذشت



به استقبال برگزاری روز جهانی معلم میروند. کارگران آذربایجان و همپایان آنها نباید تنها گذاشت. حمایت وسیع مردم آراک از این مبارزات و حمایت کارگران دیگر مراکز کارگری در این شهر و به میدان آمدن خانواده های کارگری در این اعتراضات، و نیز اتحاد کارگران در برابر هر نوع تفرقه افکنی ای در این شرایط حساس گامهای مهم و تعیین کننده در پیشروی این مبارزات است.

در خاتمه لازم است بدانیم که اتفاقی که در آراک افتاده است. ولولیه ای در درون حکومت انداخته است. کارگران آذربایجان با ایستادگی شان در مقابل سرکوبگران حکومت کاری کردند که فرمانده انتظامی استان مرکزی در برنامه شبکه تلویزیونی استان مرکزی حاضر شد و به غلط کردن افتاد و از کارگران عذرخواهی کرد. گفته میشود روز چهارشنبه ۲۹ شهریور عده ای از ماموران انتظامی آراک به دلیل اینکه حاضر به شرکت در سرکوب کارگران نشده و اعلام کرده اند که "روی همشهری هایمان باتوم نمی کشیم" دستگیر شده اند. دادستان آراک در گفتگو با میزان با گفتن اینکه اشکال در فقدان "مدیریت صحیح" است، اعلام کرده است، که در شورای تامین استان از کارگران دفاع خواهد کرد. و این چنین است که مبارزه متحد و جانانه کارگران آذربایجان و دیگران را چنین وحشت زده به زانو در آورده است. اتفاق آراک بار دیگر قدرت اتحاد و مبارزه کارگر را جلوی چشم جامعه میگذارد.

موفقیت کارگران آذربایجان در عقب زدن سرکوبگران حکومت بدون شک نتیجه مستقیمی بر مبارزات کارگران در مراکز مختلف کارگری و کل جامعه خواهد داشت. با تمام قدرت از مبارزات کارگران آذربایجان و همپایان حمایت کنیم.

حمله کردند. کارگران نیز با شعار مزدور برو گمشو و فریاد بیشراف، بیشراف و هو کرده نشان، با آنها مقابله کردند. در این روز نیروی انتظامی مامورانش را به خیابان کشیده بود و با شلیک هوایی گلوله های پلاستیکی سعی در پراکندن کارگران را داشت. اما کارگران ایستادند و اعلام کردند که فردا نیز به خیابان خواهند آمد. این چنین بود که روز ۲۹ شهریور نیز اعتراض کارگران ادامه داشت و نیروی انتظامی با شلیک گاز اشک آور تلاش کرد، مانع تجمع آنان شود و کارگران با هو کردن نیروی انتظامی به اعتراضشان ادامه دادند. بدین ترتیب شهر آراک به صحنه اعتراض خیابانی کارگران آذربایجان و همپایان سرکوبگران حکومت اسلامی تبدیل شده است.

بخش بسیاری از مردم شهر آراک خانواده ها و بستگان کارگرانی هستند که در همپایان آذربایجان و دیگر کارخانجات این شهر شاغلند و در اعتراض بسر میبرند. بعلاوه اعتراض کارگران آذربایجان و همپایان، تبعیض، نابرابری و دزدی هاست. این را کارگران در مبارزاتشان و با شعارهای يك اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، و با سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، بارها اعلام کرده اند. اعتراض این کارگران به کل بساط جهنمی سرمایه داری حاکم است. کارگران آذربایجان و همپایان به سرقت برده شده خود را میخوانند. خواستار حفظ اشتغالشان هستند. در آستانه شروع سال تحصیلی خواستار تحصیل رایگان برای فرزندانشان هستند. مسکن و درمان رایگان میخوانند و خواستار افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۴ میلیونی و یک زندگی انسانی هستند و اینها خواسته های همه مردم است. بازنشستگان در تجمع سراسری ۲۱ مرداد خود بر همین خواسته ها تاکید گذاشتند. معلمان با همین خواسته ها دارند

"غلط کردم" حکومت در برابر کارگران آذربایجان

۱۸۰۰ کارگر آذربایجان و بیس از هزار کارگر همپایان در شهر آراک در اعتراض و جنگ بر سر دستمزدهای پرداخت نشده و به سرقت رفته شان و در دفاع از زندگی و معیشتشان هستند. روز ۲۸ شهریور اعتراضات این کارگران به خیابان کشیده شد و فضای دیگری به شهر داد. علاوه بر همپایان آذربایجان، شرکت های واگن پارس، کمباین سازی و ماشین سازی آراک در وضعیت مشابهی قرار دارند. آراک به یکی از کانون های داغ اعتراضی تبدیل شده است. اعتراضات کارگران آذربایجان و همپایان شعارهای اعتراضی کارگران در فضای شهر طنین انداخته است.

کارگران آذربایجان ۶ ماه مزد طلب دارند. خطر تعطیلی کارخانه و بیکاری تهدیدشان میکند و مدتهاست که در اعتراض به سر میبرند. در حرکت روز ۲۸ شهریور کارگران آذربایجان برای پیگیری خواسته هایشان، با خروج از کارخانه به سمت جاده تهران حرکت کردند و جاده آراک - تهران را به طور کامل بستند. همزمان کارگران همپایان نیز در مجاور محل کارخانه تجمع کردند و با سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، سرودی که فریاد اعتراض کارگران و همه مردم به فقر، بی تامینی، تبعیض، نابرابری و برای داشتن یک زندگی انسانی است و با فریاد همپایان، پیگیر مطالباتشان شدند و خط راه آهن آراک را مسدود کردند. کارگران همپایان از دیماه ۹۵ مزد خود را بصورت ناقص گرفته اند و وضعیت نابسامان کارخانه خطر بیکاری را روی سر آنها قرار داده است.

روز ۲۸ شهریور نیروهای سرکوبگر انتظامی هراسناک از گسترش دامنه اعتراضات کارگران آذربایجان، به صف آنان

ادامه اعتراضات علیه قتل دو کولبر در بانه

کولبران بخشی از کارگران بیکار در شهرهای مرزی هستند که همواره هدف سرکوب حکومت قرار داشته اند که آخرین مورد آن قتل دو نفر از آنها بنام های حیدر فرجی و قادر بهرامی از اهالی بانه در روز ۱۳ شهریور است. در اعتراض به این جنایت اعتراضات گسترده ای در شهرهای بانه، سنندج و مریوان در کردستان به راه افتاد و در شهرهای دیگر کردستان نیز فضایی از خشم و اعتراض شکل گرفت. مردم خواهان پایان دادن به کشتار کولبران و هر نوع اذیت و آزار آنها هستند. مردم خواستار معرفی و محاکمه آمران و عاملان کشتار کولبران هستند. خواست کار مناسب یا بیمه بیکاری و پایان دادن به این شغل غیر انسانی خواست فوری کولبران است.

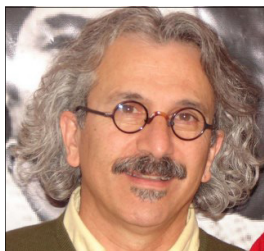
در ادامه این اعتراضات در حمایت از کولبران و در اعتراض به خشونت علیه آنان در ۲۴ شهریور در تهران در میدان آزادی تجمع اعتراضی از سوی تعدادی از فعالین اجتماعی برپا شد. همچنین ۱۴ انجمن صنفی کارگری به اسامی انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد، انجمن صنفی کارگران ساختمانی بانه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی سنقر، انجمن صنفی کارگران ساختمانی دیواندره، انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران، انجمن صنفی کارگران ساختمانی آبادان، انجمن صنفی کارگران ساختمانی گچ کار مشهد، انجمن صنفی کارگران ساختمانی بوکان، انجمن

صنفی کارگران ساختمانی دهگلان، انجمن صنفی کارگران ساختمانی اندیشه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرری، حسن آباد، انجمن صنفی کارگران ساختمانی نی ریز فارس، موسسه فرهنگی و هنری کانی (شهر کانی سور)، انجمن صنفی کارگری ساختمانی نقاش کاشان طی بیانیه ای اعتراض خود را به قتل دو کولبر در بانه اعلام و از خواسته های کولبران و رضا شهابی، کارگر زندانی حمایت و پشتیبانی کردند.

در همین رابطه به فراخوان سنتر مبارزه کارگران و زحمتکشان در سلیمانیه در عراق تجمعی اعتراضی بر پا شد. و تجمع کنندگان در این حرکت حمایت قاطع خود را از مبارزات کارگران در ایران اعلام داشتند. از سوی دیگر سه تن از اعضای شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا محمد حاکم دبیر بین المللی اتحادیه کارگری مراکش (FNSA)، سعید نعمه ناصر دبیر کل کنفدراسیون عمومی کارگران و کارکنان عراق و هدا کامل از فعالین کارگری در مصر جنایت علیه کولبران در کردستان را محکوم و حمایت خود را از کارگران زندانی در ایران اعلام داشتند. این اعتراضات ادامه دارد.

معلمان به استقبال ۱۳ مهر روز جهانی معلم میروند

تدارک سراسری و گسترده ای برای برگزاری روز جهانی معلم در جریان است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و کانونهای صنفی معلمان شاغل و صفحه ۱۳



به نام نامی مردم، به کام جانیان و طبقات حاکم!

در حاشیه سخنرانی روحانی و ترامپ و نتانیاهو در سازمان ملل

علی جوادی

سخنرانی روحانی و ترامپ را هم گوش کردم و هم دقیقاً خواندم. مایلم قبل از اینکه به جوانب مختلف و یا فزاینده‌ای از سخنرانی این دو نگاهی بیندازم، ابتدا احساسم را بیان کنم. نفرت و انزجار بیان گویا و همراه با نزاکت سیاسی بیان احساسم است. هر جمله و هر پاراگرافی از این سخنرانی‌ها توهین به شعور و حقیقت است. توهین به بشریت است. توهین به مردم و جامعه‌ای است که زندگی‌شان در زیر دست و پای این جانیان طبقات حاکم به اسارت گرفته شده است. زمانیکه راس جانیان اسلامی حاکم بر ایران از حکومتی "آزاد" و "حقوق بشر و حقوق شهروندی" صحبت می‌کند، نمیتوان احساس انزجار خود را پنهان کرد. سخت است، واقعا غیر ممکن است. زمانیکه دانالد ترامپ این نتوفاشیسم راس هیات حاکمه آمریکا بی پروا اعلام می‌کند، "اگر ناچار شویم، کره شمالی را نابود می‌کنیم" دارد به قابلیت و توان نیروهایشان در انجام یک جنایت جنگی دیگر و کشتار میلیونی صحبت می‌کند. بی مه‌با و بی اعتنا به میلیونها قلبی که در پس این قلدرمنشی‌ها و میلیتاریسم از تپش باز خواهند ایستاد. این جانیان امروز حاکم بر سرنوشت جوامع بشری‌اند. باید جهان را از شر این جنایتکاران رها کرد.

"حکومتی مردم سالار و آزاد"

روحانی از مضحکه انتخاباتی در ایران آغاز می‌کند. این مضحکه را "حاصل بلوغ سیاسی و اجتماعی در جامعه" میدانند، جامعه‌ای که "تنها چهار دهه است حکومتی مردم سالار و آزاد را تجربه می‌کند." عجیب است. جامعه‌ای خواستار نابودی و سرنگونی انقلابی حکومت

اسلامی حاکم بر ایران است، اما یکی از روسای این حکومت با وقاحتی بی حد و حصر در مقابل چشمان جامعه بشری اعلام می‌کند که انتخابات در ایران آزاد است، حکومت مردم سالار و آزاد است! برآستی چه کسی نمیداند که در ایران اسلام زده، هر انسان آزاده، برای طلب و حق طلبی را که صدای اعتراض خود را بلند کند، به زندان و شکنجه میکشند، و اگر نمیتوانند بسادگی مانند سالهای شصت و شصت و هفت دسته جمعی اعدام کنند و در گورهای دسته جمعی از کشته‌ها پشته سازند، بخاطر مقاومت و مبارزه‌ای است که این جامعه از سر گذرانده و هر روز در جریان است. بخاطر عقب نشینی‌ای است که به حکومت اسلام تحمیل کرده‌اند. این مردم، این جامعه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده است. و اگر بخشی از جامعه در مضحکه انتخاباتی رژیم اسلامی شرکت می‌کنند، نه دلیل آزادی انتخابات بلکه نشان تلاش برای ایجاد شکاف در صفوف رژیم اسلامی و چوب لای چرخ این حکومت گذاشتن است. تنها یک روز آزادی در جامعه، عمر حکومت اسلامی را به شمارش می‌اندازد.

"صلح زیباست، عدالت زیباست"

روحانی خطوط استراتژیک سیاست بین المللی خود را با این کلمات کلیدی بیان می‌کند. شاعر گونه و لطیف!؟ اعتدال، صلح، عدالت، زبان کرامت. این مجموعه مفاهیم هر کدام بار عمیق و تاریخی‌ای را با خود حمل می‌کنند. اما همین مفاهیم تاریخی که جایگاه ویژه‌ای در ادبیات توده مردم دارد، زمانیکه از زبان سران حکومت اسلامی خارج میشود، ذره‌ای از حقیقت و واقعیت سیاستهای حکومت اسلامی را بیان نمی‌کنند. تاریخ

این حکومت روشن است. این حکومت بر مبنای ترور و تروریسم متولد شد. سینمای رکس آبادان را به آتش کشید و زنده زنده بیش از چهارصد نفر را جزغاله و خاکستر کردند. این حکومتی است که ترور ابزار اصلی گسترش سیاستهایش در منطقه است. این حکومتی است که دو روز بدون زندان و شکنجه و ابزار وحشیانه سرکوب دوام نخواهد آورد. این حکومتی است که هر اعتراض حق طلبانه را به خاک و خون کشیده است. حتی نیروهای صفوف خودشان هم به این همه عوامفریبی و شارلتانسیسم خواهند خندید. تلاش برای پیچیدن یک سیاستی تروریستی در زورق صلح و عدالت یکی از ویژگی‌های این جناح این جماعت اسلامی است. رژیم اسلامی با صلح و عدالت و کرامت انسانی جای پای خود را در کانونهای بحرانی منطقه باز نکرد، با ترور و آدمکشی و جنایت پیش رفت. "صلح زیباست، عدالت زیباست"، اما حکومت اسلامی تمامی ذرات وجودش علیه صلح و عدالت است.

در صف مقدم مبارزه با تروریسم

تروریسم یک واقعیت کره زندگی بشر معاصر است. حکومت اسلامی پرچمدار و پدرخوانده این سنت کثیف اسلامی است. داعش و القاعده و طالبان و حزب الله و اخوان المسلمین و حماس شاخه‌های دیگر این تروریسم اسلامی‌اند. امروز نه تنها این نیروهای تروریست به جان جامعه افتاده‌اند و در هر کجا جنایتی جدید می‌آفرینند، بلکه شاخه‌های مختلف آن در یک جدال خونین قرار گرفته‌اند. شاخه تروریسم اسلامی حکومت اسلامی و شاخه دیگرش که عمدتاً تحت نفوذ و کنترل عربستان قرار دارد.

میکرد و نه معضل اقتصاد بحران زده در ایران با این چرخشها و مانورها قابل درمان حتی بطور مقطعی بود. مشکل اقتصاد ایران حتی در چهارچوب مناسبات استثمارگراییانه سرمایه داری، مشکل حکومتی است. مشکل حاکمیت اسلام در جامعه است. مشکلی حتی فرا کشوری است، منطقه‌ای است. خاورمیانه منطقه‌ای مناسب برای صدور سرمایه و تکنولوژی غرب نیست. معضلات استراتژیک منطقه‌ای سایه تاریکی بر فراز سر این جوامع قرار داده است. اما روحانی و این جناح حاکم اسلامی کماکان به این تغییر ریل استراتژیک غرب در قبال حکومت اسلامی دل بسته است. آینده حکومتشان را در گرو این چرخش سیاسی می‌بینند. بدون برجام، بدون معامله و بند و بست با غرب هم جناح خودشان و هم حکومت خودشان را بازنده می‌بینند. از این رو حتی خامنه‌ای ناچار به "ترمش قهرمانانه" شد. اما این خوشحیالی‌های اولیه جای خود را به ناامیدی برای دل‌باختگان این سیاست داد. مایوسانه التماس می‌کنند. به نتوفاشیست مستاجر کاخ سفید نصیحت می‌کنند که "دولت جدید آمریکا با پیمان شکنی و نقض تعهدات بین المللی، فقط اعتبار جهانی خود را می‌شکند و اعتماد دولت‌ها و ملت‌ها نسبت به هر گونه مذاکره و تعهدات آینده خود را از دست می‌دهد." دیدنی است. نیرویی که یک رکن فلسفه وجودی اش، تقابل کور و ضد انسانی با غرب است، اکنون به التماس و استغاثه همان درگاه افتاده است.

غول اقتصاد

روحانی عوامفریبانه ادعا

خبر و نظر

جشن پیروزی قاسم سلیمانی و جشن پیروزی ما

خلیل کیوان

فرمانده نیروی قدس سپاه قاسم سلیمانی روز پنجشنبه ۳۰ شهریور در يك سخنرانی وعده داده است که: "تا دو ماه دیگر ناپودی داعش را جشن می‌گیریم".

برچیده شدن بساط داعش و ناپودی آنرا باید به فال نیک گرفت. هر چند روشن است که شکست نظامی این نیرو، حتی اگر بطور کامل هم تحقق یابد، ناپودی ریشه ای آنرا در پی

نخواهد داشت. ناپودی این نیروی ضد بشری فقط با خشکاندن زمینه ها و شرایطی که توسط فرقه ها و نیروهای مذهبی و قومی نظیر جمهوری اسلامی، خاورمیانه را به جولانگاه رقابت نیروهای اسلامی و قومی مبدل کرده است، میسر است. این امر فقط، با پیروزی نیروهای سکولار و برابری طلب در سوریه، عراق، ایران و کل منطقه اسلام زده ممکن است.

نیروهای فوق ارتجاعی نظیر داعش در درجه نخست بواسطه

سربرآوردن داعش در ایران در سی و هشت سال گذشته و برپایی جمهوری اسلامی - که راه را برای سر بلند کردن و عروج و رقابت بین فرقه های مختلف اسلامی هموار کرد- و در درجه بعدی، بعلت حمله نظامی آمریکا و متحدین آن به عراق و بخاک و خون کشیدن و گسیختن شیرازه آن جامعه، ممکن شد. گنداب کنونی، محصول مشترک ارتجاع جهانی و منطقه ای و بلوک بندی های قبلی و فعلی آنها است.

تا پیش از روی کار آمدن

جمهوری اسلامی در ایران، نیروهای اسلام سیاسی در کشورهای خاورمیانه در حاشیه سیاست و غیر موثر بودند. روی کار آمدن داعش در ایران - که با حمایت غرب و در راس آن آمریکا و البته با مجاهدات بی دریغ بی سی- میسر شد، الهام بخش و جاده صاف کن همه نیروهای ضد بشری اسلامی در منطقه و حتی در دنیا شد. از اینرو، سر مار داعش را در تهران باید به سنگ کوبید. بطور واقعی شمارش معکوس پایان کار فرقه

های اسلامی از نوع داعش با سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن می شود.

جشن واقعی بعد از پیروزی مردم ایران با سرنگونی جمهوری اسلامی- که البته پیروزی مردم منطقه و جهان است- برپا خواهد شد. تردید نیست که مردم ایران و جهان، یکی از بزرگترین و بیاد ماندنی ترین جشن ها و کارناوال های تاریخ را بمناسبت ناپودی پدرخوانده داعش در ایران برپا خواهند کرد. این روز دیر نیست.

عشوه گری در نیویورک شمشیرکشی در اراک

بهر روز مهرآبادی

متعددی از بدنهای مجروح کارگران در رسانه های اجتماعی منتشر شده و میلیونها نفر آنها را دیده بودند. روحانی شعار می دهد که "ما با حافظ جهان را فتح کرده ایم" و با مزدوران تا دندان مسلح و شلاق و زندان به مصاف کارگران می رود. روحانی به ترامپ طعنه میزند که: "اعتدال هم افزایی اندیشههاست و نه رقص شمشیرها" و برای بانکداران و شرکت های آمریکایی و اروپایی وعده سودهای هنگفت و امنیت سرمایه گذاری میدهد که: "اقتصاد ایران می تواند با پتانسیل رشد يك تریلیون دلاری در بیست سال پیش رو، امیدبخش ترین اقتصاد نوظهور جهان شود." اقتصاد نوظهوری که قرار است بر نیروی کار ارزان استوار شود و بیش از پیش تسهله از کرده کارگران بکشد.

عشوه گری در نیویورک و شمشیرکشی در اراک، نمونه ای است از سیاست ضد کارگری جمهوری اسلامی.

همزمان که حسن روحانی رئیس جمهور اسلامی در اجلاس عمومی سازمان ملل دم از بالاترین نرخ رشد اقتصادی در جهان، "منشور حقوق شهروندی"، اعتدال، کرامت، صلح، ایجاد جهانی عاری از خشونت و افراط و ... میزند، او با شمس مسلح جمهوری اسلامی در خیابانهای اراک با گاز اشک آور و باتون و گلوله های پلاستیکی به صفوف متحد کارگران آذربای و هپکو حمله می کردند. جرم کارگران اعتراض به زندگی با دستمزدهای چندین بار زیر خط فقر و درخواست چندین ماه حقوق های عقب افتاده شان است. در مقابل حملات شدید رونالد ترامپ به جمهوری اسلامی و اشک تمساح ریختن های او برای مردم ایران، روحانی چاره ای نداشت جز اینکه خود و رژیمش را مطیع و اهلی نشان دهد. او وقیحانه گفت: "سلاح های مرگبار صادراتی زیبا نیست صلح زیباست"، در همان حال که تصاویر

ناقضان حقوق بشر خواهان برخورد قاطعانه با ناقضان حقوق بشر شدند!

از صفحه فیسبوک محسن ابراهیمی

مسلسل و قمه و قضایی نظامیان و مذهبیون بودایی جان سالم بدر ببرند! دیروز معاون رئیس جمهور میانمار از پشت میز خطابه سازمان ملل نمک بر زخم جمعیت عظیمی پاشید که مهر "مسلمانان روهینگیا" بر پیشانیهایشان کوبیده شده است و رسماً شهروندیهایشان توسط نظامیان حاکم از آنها گرفته شده است.

او در پشت میز خطابه جای گرفت، چشم در چشم مردم جهان دوخت و با وقاحت تمام اعلام کرد که دولت او خواهان برخورد قاطع با ناقضان حقوق بشر است! دولتی که

سالمات پاکستانی سازی سیستماتیک قومی - مذهبی در ایالت راخین علیه مردم "روهینگیا" را سازمان داده است خواهان برخورد قاطع با ناقضان حقوق بشر شده است!

جای تعجب نیست. ایشان دولتی را نمایندگی میکنند که رئیسش آنگ سان سوچی است. کسی که سالهاست جایزه صلح نوبل در بغل، راست راست میچرخد و همچنان به قربانیان "مسلمان روهینگیا" پوزخند میزند!

الان دیگر هر کسی که چشمی برای دیدن، قلبی برای احساس کردن، وجدانی برای متأثر شدن دارد حتما میداند که در ایالت آرخان میانمار چه میگردد. فقط بالای ۴۰۰ هزار نفر در میان میانمار و بنگلادش بی پناه و سرگردان در کام مرگ تریجی رها شده اند! اینها تازه خوش شانستد ترینها هستند. آنهاست که توانسته اند از خانه های به آتش کشیده شده و قتل و کشتار بوسیده





بررسی انقلاب اکتبر

مهمترین واقعه سرنوشت ساز تاریخ مبارزه طبقاتی!

"فاکتها و واقعیات"

پرش از فاتح بهرامی

انترناسیونال: مخالفین

انقلاب اکتبر مدعی اند که این رویداد نه انقلاب بلکه، دسیسه و توطئه و کودتای گروهی از کمونیست ها به رهبری لنین بوده است. آیا بنظر شما این رویداد يك انقلاب بوده است و طبقه کارگر روسیه در آن نقش کلیدی داشته است؟ بر اساس کدام فاکت ها و واقعیات می توان توضیح داد که انقلاب اکتبر با مشارکت توده ها و بویژه با شرکت فعال طبقه کارگر انجام گرفته است؟

فاتح بهرامی: تبلیغات مبتذل

و بنجل مخالفین انقلاب اکتبر تازگی ندارد. بورژوازی برای حفظ نظام پوسیده اش در کنار ابزارهای سرکوب به ماشین تبلیغات و دروغ و تحریف و توطئه علیه انقلاب و انقلابیگری کارگری نیز نیازمند است. مادام که سرمایه داری حاکم است کارخانه های تولید نفرت و دروغ علیه کمونیسم و کارگر و انقلاب کارگری با سرعت کار میکنند و محصولات نکبت بیرون میدهند.

عضل مخالفین انقلاب اکتبر بر سر توطئه و کودتا نیست، بلکه نفس انقلاب کارگری و تاثیرات عظیم و ماندگار آن در جامعه اساس مساله شان است، از این هراسانند که انقلاب اکتبر بعنوان يك الگو و امید برای رهایی از نظام ضد انسانی سرمایه داری نقش ایفا میکند.

و گرنه چرا صد سال پس از انقلاب اکتبر هنوز بورژوازی به سمپاشی علیه لنین و انقلاب اکتبر نیاز دارد؟ چرا وحشت از اکتبر و ترس از انقلابیگری هنوز کابوس بورژوازی است؟ انقلاب اکتبر نشان داد

برپائی حکومت کارگری و برافراشتن پرچم رهایی بشر امکانپذیر است. انقلاب اکتبر نشان داد که طبقه کارگر سازمانیافته تحت رهبری حزب خود میتواند دولت بورژوائی را سرنگون کند و قدرت سیاسی را بدست بگیرد. این انقلاب پراتیک يك طبقه عظیم بود که نشان داد سوسیالیسم امکانپذیر است. پیروزی و شکست انقلاب اکتبر، هر دو، برای طبقه کارگر و برای هر کسی که میخواهد بشریت از نکبت دنیای سرمایه داری رها بشود حاوی درسها و پیامهای مهمی است. يك پیام مهم پیروزی این انقلاب برای امروز است، که این وضعیت دهشتناک تحمیلی سرمایه داری که بشریت را دارد به قهقرا میرسد، میتواند تغییر کند و به استثمار و ستم و تبعیض و نابرابری و جنگ و دیگر مصائب سرمایه داری پایان بدهد.

انقلاب اکتبر مهمترین واقعه سرنوشت ساز تاریخ مبارزه طبقاتی است. این انقلاب محصول پراتیک يك طبقه میلیونی بود که اتفاقا میدانست برای منافع طبقاتی خود مبارزه میکند و طبقه کارگر در ابعاد میلیونی در آن شرکت و حضور داشت بلکه پیشروترین احزاب و تشکلهای کارگری سالها در شکل دادن به این انقلاب نقش اساسی داشتند.

جان رید در مقدمه کتاب "ده روزی که دنیا را لرزاند" درباره طبقه کارگر روسیه و رابطه اش با انقلاب اکتبر نکات جالبی را نقل میکند، میگوید:

"ویلیام انگلیش والینگ در کتاب خویش به نام "پیام روسیه" که شرح مختصری است از

انقلاب ۱۹۰۵، روحیه کارگران روسی را که بعدها تقریباً همگی در صف بلشویسم قرار گرفتند بدین گونه تشریح میکند: «آنها (کارگران) میدیدند که حتی آزادترین حکومتها، اگر به دست طبقات دیگر باشد، احتمالاً ناچارند مانند گذشته گرسنه باشند... کارگر روسیه انقلابی است، ولی زورگو نیست. دگماتیک نیست، از خرد محروم نیست. او حاضر است پشت باریکادها بجنگد- و میداند که یعنی چه- او در بین کارگران سراسر جهان یگانه کارگری است که این را از روی تجربه شخصی خویش میداند. او آماده است و میخواهد علیه ستمگران- طبقه سرمایه داران- مبارزه کند و تا پایان مبارزه کند. ولی موجودیت طبقات دیگر را از یاد نمیببرد. تنها چیزی که از آنها میخواهد اینست که، به هنگام درگرفتن توفانی که فرا میرسد، آنها در این سو و در آن سو قرار گیرند... آنها (کارگران) تأیید میکنند که سازمانهای سیاسی آمریکا از سازمانهای سیاسی آنها بهتر است. ولی آنها به هیچ روی نمیخواهند به جای مستبیدی مستبد دیگر را (طبقه سرمایه دار را) بنشانند... کارگران روسیه را در گروههای چند نفری در مسکو، در ریگا، در اودسا، تیرباران و اعدام کردند. آنها را هزار هزار به زندان افکندند، به کویرها و مناطق قطبی تبعید کردند. و آنها همه اینها را به جان خریدند نه به خاطر چیزی مانند امتیازات مشکوک کارگران گلدجیلد یا کریپل کریک...»

بدین سبب است که در روسیه، در بحبوحه جنگ، انقلاب سیاسی به انقلاب

اجتماعی تکامل پیدا کرد و سرانجام عالی خود را در پیروزی بلشویسم یافت.» درباره "فاکتها و واقعیات" این رویداد تاریخی بزرگ باید به اسناد و تاریخ این انقلاب رجوع کرد. در میان اسناد مربوط به تاریخ انقلاب اکتبر کتابهای زیر جزو معتبرترین و مطرحترین اسناد هستند و به فارسی ترجمه شده اند و روی اینترنت وجود دارند.

۱- تاریخ انقلاب روسیه، لنون تروتسکی - ۳ جلد.
۲- انقلاب بلشویکی، ای.اچ. کار - ۳ جلد.
۳- ده روزی که دنیا را لرزاند، جان رید.

انقلاب اکتبر با شعار "همه قدرت به شوراها" به سرانجام رسید. و بنا به نقل مندل از بریل ویلیامز "توده ها قدرت شورائی را بیش از برنامه های حزبی یا مجلس موسسان حلال مشکلات خود میدانستند، و تنها بلشویکها بودند که واقعا با قدرت شورائی پیوند داشتند... اینک حزب آنها بود که میتوانست روی موجی از همبستگی توده ای قدرت را کسب کند." این فقط يك نمونه از موارد متعدد مشابه در اسناد موجود است که خیلی از آنها بروایت مخالفین بلشویکها و

حتی افراد ضد کمونیست است که تاکید دارند بلشویکها دارای نفوذ عظیم توده ای در میان کارگران و سربازان و مردم زحمتکش بودند. اما بورژوازی مشکلكش نفهسی و کمبود اطلاعات نبوده و نیست، امرشان دفاع از مالکیت خصوصی و بربریت سرمایه داری است. اما يك گوشه این بحث و کلا مساله "کودتای اقلیت" به این برمیگردد که بورژوازی و حتی بخشی از چپهای سابق از موضع دمکراسی انقلاب اکتبر را از این جنبه زیر سوال میبرند که لنین و بلشویکها اکثریت شوراها را با خود نداشته اند. پاسخ قاطع به این بورژواها اینست که کمونیستها هر وقت امکان گرفتن قدرت سیاسی را داشته باشند، حتی اگر در اقلیت باشند، يك آن معطل نمیشوند و نباید بشوند و کوچکترین ارزشی برای این نوع انتقادات نباید قائل شد. گرفتن قدرت از دست بورژوازی مستلزم داشتن اکثریت نیست. باوجودیکه در ماه اکتبر لنین و بلشویکها در شوراها اکثریت داشتند اما مخالفین انقلاب اکتبر ساز خود را میزنند. این بحثی در چهارچوب حزب و قدرت سیاسی است که باید جداگانه مورد بحث قرار بگیرد.



با تمام قدرت از خواستهای زندانیان سیاسی در گوهردشت حمایت میکنیم

شهلا دانشفر

روزه سیاسی، تفرقه در صفوف ما

بیش از یکماه اعتراض زندانیان سیاسی در گوهردشت، نقطه عطف دیگری در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی است. اعتراض زندانیان سیاسی گوهردشت به وضعیت اسفناک و جنایتبار زندانها و به سرکوبگری های وحشیانه دستگاه قضایی جمهوری اسلامی است و این صدای اعتراض کل زندانیان است که چنین پژواک گسترده پیدا کرده است. يك اتفاق مهم در این اعتراضات نقش خانواده های زندانیان سیاسی، اطلاع رسانی از وضع زندانها و به راه افتادن کارزای وسیع در حمایت از خواستهای زندانیان سیاسی در داخل کشور و در ابعاد بین المللی است. تجمع اعتراضی ۲۲ شهریور در مقابل زندان گوهردشت در حمایت از این زندانیان و طنین شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد در برابر زندان گوهردشت، حلقه مهمی از این اعتراضات برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی است. این درحالیست که کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات و برای خواست لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی مدتهاست در جریان است و هر روز قدرتمند تر به جلو میروند. از جمله در این مدت مبارزات زندانیان سیاسی و این کارزارها از سوی تشکلهای مختلف کارگری، معلمان، فعالین اجتماعی و در سطح جهانی از سوی اتحادیه های کارگری مختلف و سازمانهای مدافع حقوق انسان چون عفو بین الملل، اتحادیه کارگران پست کانادا، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، اتحادیه های کارگری در کشورهای سوئد، نروژ، فرانسه، استرالیا، انگلیس و... مورد حمایت و پشتیبانی

قرار گرفته است.

الگوی دیگری از این مبارزات تجمع اعتراضی بود که در ۱۴ شهریور به فراخوان ربابه رضایی همسر رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای واحد است که در آن کارگران شرکت واحد به همراه دانشجویان و دیگر فعالین کارگری و معلمان در مقابل مجلس و خیابان های اطراف آن با خواست آزادی فوری رضا شهابی برگزار شد و شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، طنین انداخت.

اعتراضات زندانیان سیاسی در گوهردشت بدنبال حمله عوامل سرکوب رژیم اسلامی در روز یکشنبه ۸ مرداد ماه و انتقال تعدادی از زندانیان سیاسی با ضرب و شتم و توهین به سالن ۱۰ زندان گوهردشت، آغاز شد. بدنبال این سرکوبگری وحشیانه حکومت بود که در تاریخ ۹ مرداد زندانیان سیاسی در گوهردشت با اعلام اعتصاب غذا، اعتراض خود را به این سرکوبگری ها اعلام داشته و به عنوان خواستی فوری خواهان بازگرداندن خود به مکان قبلی، بازگرداندن وسایل ضبط شده شان و برقراری شرایط انسانی در زندانها و پایان دادن به این وحشیگری در درون زندانها شدند. سرانجام بعد از ۴۰ روز اعتصاب در بیانیه ای که امضای زندانیان اعتصابی زندان رجایی شهر را در زیر خود داشت و خطاب به نهادهای بین المللی و حقوق بشری نوشته شده بود، ختم موقت این اعتصاب اعلام گردید.

در ابتدا دست اندرکاران و مسئولان زندان و قوه قضاییه سعی در انکار اعتراض زندانیان داشتند و طی ۴۰ روز اعتصاب آنها نیز تغییری در وضع زندانیان ایجاد نشده و آنها همچنان از ابتدایی ترین امکانات حتی قانونی زندان و از جمله دسترسی به رسیدگیهای پزشکی محروم بوده اند. از همین رو

زندانیان سیاسی گوهردشت در بیانیه خود اعلام کرده اند که به رغم اینکه تاکنون هیچ کدام از خواسته های آنها پاسخ نگرفته و کماکان در شرایط غیرانسانی بسر میبرند، اما بنا به درخواست افراد و گروههای اجتماعی و سیاسی داخل کشور از جمله فعالان کارگری، زنان، معلمان، دانشجویان، زندانیان سیاسی کنونی و سابق، و مادران پارک لاله و نیز پارلمانترهای انگلستان، ایتالیا، آلمان و پارلمان اروپا، سازمان عفو بین الملل و سایر شخصیتها و نهادهای حقوق بشری بین المللی و نگرانی خانواده هایشان، با احترام و سیاس از حمایتهای بی دریغ همگان از روز جمعه ۱۷ شهریورماه ۹۶ پس از ۴۰ روز موقتاً به اعتصاب غذای خود پایان میدهند اما پیگیر خواستهایشان هستند و به مبارزه خود ادامه میدهند. در همین حال رضا شهابی و سعید شیرزاد و محمد نظری از زندانیان سیاسی در گوهردشت همچنان در اعتصاب غذا بسر میبرند و وضعیت جسمانی آنها وخیم گزارش میشود.

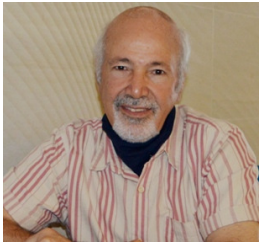
در برابر این وضعیت، وظیفه ما مردم پیگیری خواستهای زندانیان سیاسی، برداشتن فشار از روی آنان و پایان دادن به فشارهای درون زندان است. وظیفه ما همراهی با خانواده های زندانیان سیاسی برای پیشبرد خواستهای انسانی زندانیان سیاسی و آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی است. وظیفه ما حمایت از خواست برحق رضا شهابی و اعتراض به محکوم کردن او به ۹۶۸ روز حبس بیشتر است. و مهمتر از همه تاکید ما بر کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات است. معنای واقعی این کارزار اعتراض علیه سرکوبگریهای حکومت اسلامی و دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب و آزادیهای سیاسی پایه ای در جامعه است.

اما نکته قابل تامل در اعتراضات زندانیان سیاسی در گوهردشت اعلام اینست که اعتصاب غذای خود را به "روزه سیاسی" تبدیل میکنند. روزه سیاسی و دادن رنگ مذهبی به این حرکت اعتراضی، مقدمه ای برای تفرقه در صفوف معترضین است. مقدمه ای برای دامن زدن به فضای امنیتی در این اعتراضات و زیر فشار گذاشتن بخشی از زندانیان سیاسی است که روزه سیاسی را شیوه مبارزه خود نمیدانند، اما در برابر يك عمل انجام شده قرار میگیرند. جلو آوردن اینگونه شیوه ها در اعتراضات مردم در سطح جامعه، از جمله شیوه های شناخته شده گرایشاتی چون گرایشات ملی اسلامی و بعضا خود حکومتیان برای نگاهداشتن اعتراضات در چهارچوبه های مذهبی و کنترل شده است. از جمله نمونه هایی دیگر از همین نوع راهکارها مثل سر دادن الله اکبر و یا آوردن بنرهایی با عکس خامنه ای و سران حکومت در تجمعات اعتراضی جاری را دیده ایم. و جالب اینجاست که تمام این شگردها نیز تحت عنوان ایجاد حاشیه امنیتی برای مبارزات صورت میگیرد. اما بطور واقعی نتیجه مستقیم اینگونه راهکارها تفرقه انداختن در صفوف مبارزات ما و تضعیف آنست. اینها همه تلاشهایی برای نگاهداشتن اعتراضات در چهارچوبه مذهبی و کنترل شده حکومتی است. سکوت ما در برابر این نوع تشبثات چه خواهیم، چه نخواهیم، افتادن به دام این نوع سیاست هاست و میتواند مبارزات ما را به بیراهه برد. در برابر این نوع تقلاها باید هوشیار بود. این گونه راهکارها شیوه مبارزه ما مردم نمیتواند باشد.

برای قدرت بخشیدن به مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، برای قدرت بخشیدن به

مبارزات زندانیان سیاسی در گوهردشت، باید صف مبارزاتمان را متحد کنیم. از جمله جمعی که به فراخوان ربابه رضایی همسر رضا شهابی داد و چنان با شکوه از سوی فعالین این عرصه از مبارزه پاسخ گرفت، خود راه در مقابل ما میگذارد. خصوصاً اینکه امنیتی کردن مبارزات برای سرکوب اعتراضات اجتماعی، دامنگیر همه کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، فعالین دفاع از حقوق زن، حقوق کودک، علیه تخریب محیط زیست و در هر عرصه و مبارزه است. بنابراین در تقابل با آن باید متحدانه ایستاد. از همین رو انتظار اینست که امروز تمامی تشکل های کارگری، معلمان و کانون های صنفی شان، بازنشستگان، نهادهای دفاع از حقوق کودک و حقوق زنان و عرصه های مختلف مبارزه در جامعه با بیانیه های مشترکشان خطاب به تشکلهای سراسری کارگری و نهادهای اناساندوست در سطح جهان، کارزاری گسترده و جهانی را علیه سرکوبگری های حکومت به راه بیندازند. با این کار صدای اعتراض علیه قتل کولبران باشد. صدای اعتراض علیه شرایط اسفناک و جنایتبار در زندانهای باشند، صدای اعتراض علیه دستگیرها و تهدید و فشار بر روی فعالین اجتماعی در عرصه های مختلف مبارزه باشند. و با این کار صف متحدی را در مبارزه برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی، علیه احکام امنیتی صادر شده برای کلیه فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض، و علیه شرایط جنایتبار درون زندانها شکل دهند. با چنین اشکالی از مبارزه است که میتوانیم فشار را از روی کرده زندانیان سیاسی برداریم و اجازه ندهیم که با اشکالی چون اعتصاب غذا جسم و روحشان را فرسوده و نابود کنند. و به همین

جنجال بر سر همه پرسی در کردستان عراق



اند. در چند سال اخیر نیز زیر دیکتاتوری ناسیونالیستهای کرد و دولت اقلیم به فقر کشیده شده اند. و هر روز دست به اعتراض و تجمع و تظاهرات میزنند.

اما اکنون برآیند رقابتهای و کشاکشهای منطقه و حسابگریهای بازرانی و غیره این شده است که یک رفراندم را برای استقلال یا ماندن با عراق را اعلام کند. توهمی نباید داشت که رفراندم بخودی خود جامعه کردستان را به بهشت تبدیل نمیکند. حتی استقلال کامل از بقیه عراق بخودی خود اوضاع را بهبود نمیدهد. همه چیز بستگی به آگاهی مردم و دخالتگری آنها و عقب راندن مرتجعین و مفتخوران از صحنه سیاست و دفاع از یک نظام و سیستم انسانی در آینده دارد. بستگی به این دارد که در کردستان عراق آیا یک نظام انسانی و سکولار و مردمی و بدون تبعیض و بدون استثمار سرکار می آید، یا یک حکومت قومی مثل الان سرکار میماند. یا یک حکومت مذهبی و قومی مثل بقیه عراق یا یک حکومت اسلامی مثل ایران.

رفراندم به مردم عادی کردستان

متنفرند و بارها علیه اینها دست به تظاهرات و اعتراضات وسیع زده اند. اما از نظر خواهی از مردم کردستان عراق برای استقلال یا ماندن با عراق باید دفاع کرد. باید بر این تاکید کرد که نظرخواهی باید در فضایی کاملاً آزاد و بدون تهدید و زورگویی احزاب حاکم برگزار شود، نهادهای بیطرف بر نظر سنجی نظارت کنند و به مردم امکان داده شود که در مورد نظام آینده جامعه کردستان نظر بدهند. تهدیدات جریانها و دولتهای ارتجاعی را باید محکوم کرد.

نظر سنجی اگر در فضایی آرام و آزاد انجام گیرد، نتیجه آن هرچه باشد و اهداف پشت اعلام آن توسط بازرانی هرچه باشد، به نفع فضای جامعه کردستان و عراق و ایران و ترکیه و جاهای دیگر است. ارتجاع حاکم در ترکیه و ایران و عراق از همین وحشت دارد. نمیخواهند مردم دخالتی در سرنوشت خود داشته باشند. میخواهند جامعه قومی و مذهبی باقی بماند. مردم کردستان عراق دهها سال زیر سرکوب و ترور و دستگیری و تبعیض و دیکتاتوری وحشتناک صدام حسین مجالده شده

نظر بدهند؟ آیا مردم حق ندارند تصمیم بگیرند؟ به اردوغان و روحانی و قاسم سلیمانی و ترامپ و بقیه چه مربوط است که قرار است از مردم کردستان عراق نظر خواهی شود؟ اینها باید بپذیرند که این مردم هستند که حق دارند در مورد سرنوشت جامعه تصمیم بگیرند و نه دولتهای ارتجاعی و قوم گرایان و ناسیونالیستهای رنگارنگ. یک مشت مرتجع کثیف و مزدور سلاحهایشان را نشان میدهند و تهدید میکنند که رفراندم به زبان مردم است. منظورشان اینست که ما به جامعه خون خواهیم پاشید.

روشن است که مسعود بارزانی و حزب دموکرات کردستان ناسیونالیستهای دو آتشه مرتجعی هستند که طی همین مدت کوتاه از دزدی حقوق معلمان و کارگران و درآمدهای نفت میلیونر و میلیاردر شده اند. سالهای سال است که اینها جز "گردایتی" یعنی ناسیونالیسم کرد و پادویی سیاست آمریکا و اردوغان کار دیگری انجام نداده اند. و در عمل نشان داده اند که ناسیونالیسم یک ذره به حقوق مردم ربط ندارد. و اکثریت مردم کردستان عراق از اینها

کاظم نیکخواه

تیتیر خبرهایی که مربوط به همه پرسی در کردستان عراق است واقعا تکان دهنده و ترسناک است. قرار است روز ۲۵ سپتامبر در کردستان عراق از مردم نظر خواهی شود که آیا میخواهند با کشور عراق بمانند یا جدا شوند. از حشد الشعبی تا جریانهای اسلامی و ناسیونالیستهای پان عربی و دولت اردوغان و جمهوری اسلامی و انواع دستجات مزدور قومی و اسلامی مرتجع، دارند پی در پی تهدید میکنند و رجز خوانی میکنند و هشدار میدهند که باید جلوی همه پرسی در کردستان عراق گرفته شود. اگر کسی حرف روشنی و قابل قبولی در مورد هدف بازرانی از همه پرسی داشت میشد شنید و بحث کرد. بازرانی هر هدفی داشته باشد همه پرسی همه پرسی است. اگر کسی ایرادی به نحوه این همه پرسی دارد باید همین را بگوید. اما صف بزرگی از مرتجعین وحشت کرده اند که قرار است از مردم در مورد اینکه میخواهند یا بقیه عراق بمانند یا نه نظر خواهی شود. آیا مردم حق ندارند

با تمام قدرت از خواستهای زندانیان سیاسی ...

از صفحه ۱۰

است. توصیه ما استفاده وسیع و گسترده از مدیای اجتماعی برای گرد آوردن نیروی مبارزاتی مان و متحد کردن صف اعتراضمان بر سر خواستههایی روشنمان و خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی است. خانواده های زندانیان سیاسی در صف جلوی چنین کارزاری قرار دارند. بنابراین آنجایی هم که زندانی سیاسی زیر فشار سنگین درون زندان ناگزیر دست به اعتصاب غذا میزند، برای ما باید یک هشدار باشد و با حمایتی جانانه از او و خواستههایش باید کاری کنیم که زندانی به نیروی اجتماعی این مبارزات اتکاء کند و ناگزیر به ادامه اعتصاب غذا و یا دست زدن به اعتصاب غذا نشود.

در خاتمه فراخوان من به حمایت وسیع و همه جانبه از زندانیان سیاسی گوهردشت و خواستهایشان، از رضا شهابی و اعتراض او به بازگرداندنش به زندان با ۹۶۸ روز حبس بیشتر است. ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی هستیم.

واله زمانی، بهنام ابراهیم زاده و پیمان سالمی باید به فوریت آزاد شوند

روز ۲۲ شهریور در حالیکه جمعی از فعالین کارگری و اجتماعی در حمایت از زندانیان سیاسی گوهردشت که در اعتراض به سلب حقوق اولیه انسانی و رفتارهای خشن و مغایر کرامت انسانی دست به اعتصاب غذا زده بودند، تجمع داشتند، مورد تهاجم نیروهای امنیتی قرار گرفتند. در جریان

این تهاجم وحشیانه بهنام ابراهیم زاده از چهره های شناخته شده کارگری که به تازگی و پس از ۷ سال حبس از زندان آزاد شده است و واله زمانی از اعضای هیات مدیره سندیکای نقاشان البرز و پیمان سالمی از فعالین اجتماعی دستگیر شدند. بازداشت شدگان این روز همچنان در بازداشت بسر میبرند و هم اکنون یک تلاش فوری کارزار علیه وضع اسفناک و جنایتبار زندانها، آزادی دستگیر شدگان ۲۲ شهریور است.

حمله به تجمع ۲۲ شهریور، تلاشی برای عقب راندن مبارزه علیه تشدید سرکوبگری های حکومت در زندان و در بیرون از زندان است. خصوصا اکنون که خانواده های زندانیان سیاسی برای آزادی عزیزانشان فعالانه به میدان آمده اند، اکنون که شعار کارگر زندانی، زندانی سیاسی

آزاد باید گردد، بیش از پیش خیابانی شده و به شعار اعتراضات کارگری و مردم معترض تبدیل شده است، حکومت اسلامی، در هراس از گسترش این اعتراضات، دست به اقداماتی از نوع حمله به تجمع ۲۲ شهریور میزند. اما دامنه این اعتراضات همچنان گسترده است. از جمله یک شعار مهم معلمان و بازنشستگان در تدارک تجمع اعتراضی سراسری سیزده مهر، روز جهانی معلم، آزادی همه معلمان زندانی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات است. ضمن اینکه اعتراضات زندانیان گوهر دشت بخاطر فشارهای درون زندانها و ابعاد جنایتکارانه آن همچنان ادامه دارد. بهنام ابراهیم زاده، واله زمان و پیمان سالمی باید فوراً آزاد شوند.

دنیای تیره و تار حزب حکمتیست

پاسخی به رحمان حسین زاده

کاظم نیکخواه

کنند! (جدا!؟)

به لحن نا متناسب و پر از تبختر او در این نوشته کاری ندارم. او در يك مصاحبه تلویزیونی هم بحثهای کهنه و قبلا جواب گرفته را با لحنی ناجور تکرار میکند. وقتی کمی در همین جملات فوق دقت کنیم روشن میشود که این درست همان روش و منطق راستی است که حزب حکمتیست در سال ۸۸ به آن متوسل شد و در اوج تظاهراتهای میلیونی مردم با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی با يك موضع بغایت ارتجاعی اعلام کرد که "در این اعتراضات سرنگونی طلبی مشاهده نمیشود" و کل اعتراضات را به طرفداری از موسوی و کروبی نسبت داد و آنرا محکوم کرد و آنرا "لجن" خواند و به مردم گفت در خانه بمانید و امثال اینها. هنوز هم همین خط و ارزیابی راست و مسموم را دنبال میکند. من در جایی حزب حکمتیست را با عنوان "حزبی با عینک سیاه" خطاب کردم (بن بست حزبی با عینک سیاه) و بطور واقعی این حزب از منطقی پیروی میکند که دنیا را تیره و تاریک می بیند و هر حرکت مردم را به حساب جریانات راست می نویسد و به همین هم به جریانات راست خوراک میدهد و خود را فلج و زمین گیر کرده است.

رحمان حسین زاده بر همین اساس اکنون هم میگوید رای بخشی از مردم به روحانی رای به خامنه ای است. کسی که ذره ای واقعیات جامعه ایران را بشناسد و در هیروت خود غرق نباشد میفهمد که رای مردم در اساس خود نه به خامنه ای و نه حتی به روحانی است. موضع و ارزیابی حسین زاده در بهترین حالت بی پایه است. از نظر او آن بیست و يك میلیون نفری که بنا به آمار حکومت به روحانی رای دادند رایشان به خامنه ای بوده است.

طبعاً چند میلیون رای به ابراهیم رئیسی هم رای به خامنه ای است. و در نتیجه بنا به ارزیابی "عمیق و داهیهانه" حزب حکمتیست و حسین زاده موجود خبیث و منفوری بنام خامنه ای از حمایت سی چهل میلیونی مردم یعنی اکثریت مردم در جامعه بر خوردار است. (ایشان بحثی در مورد کم و زیاد بودن و تقلبی بودن آمار حکومت هم نکرده است. اما اگر آنرا هم به حساب بیاوریم باز تغییری در اساس این بحث بغایت راست و بی پایه نمیدهد). این موضع و تبلیغ اینکه خامنه ای از رای بالای مردم در جامعه برخوردار شده بطور واقعی با هیچ عقل سلیمی خوانایی ندارد و خواه ناخواه خوراک دادن به جناح راست حکومت است. و این از زبان يك فعال چپ دارد بیان میشود. ایشان با لحنی پر از تبختر جامعه ای را که سرتاپایش از نفرت از خامنه ای و حکومت اسلامی و روحانی دارد میجوشد و هرروز به شکلی اعتراض و خشم خود را دارد بیان میکند، طرفدار خامنه ای و جمهوری اسلامی معرفی میکند. و این آن موضع ناجوری است که يك دقیقه هم قابل دفاع نیست. ذره ای درک و تحلیل اصولی و نگاه واقعی و چپ داشتن کافی است تا انسان متوجه شود که این موضع از جاهای بسیار بدی سر در می آورد.

هرکس که کمترین ارتباط و ربطی به رویدادها و اعتراضات اجتماعی کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان و زنان و مالباختگان و اکثریت مردم جامعه داشته باشد میفهمد که در این جامعه خامنه ای منفورترین چهره در میان مردم است و جمهوری اسلامی مورد خشم و نفرت اکثریت عظیم مردم است. هرروز مردم دارند به شکلی اعتراض و نفرت خود را از

جمهوری اسلامی و خامنه ای بیان میکنند. و اوج آن سال ۸۸ با شعارهای میلیونی مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور بود. که آن فریاد دهها میلیونی را هم حزب حکمتیست نشنید و به آن پشت کرد. رحمان حسین زاده و حزب حکمتیست معلوم نیست که در کدام کره زندگی میکنند که يك مرتبه از ترکیب کابینه روحانی به این نتیجه میرسند که رای بخشی از مردم به روحانی رای به خامنه ای است و از اینجا ما را مورد تعرض و هتاک قرار میدهد. جامعه دارد فریاد میزند که مردم هم از خامنه ای، هم از کل حاکمیت اسلامی و هم از روحانی و دم و دستگاه دولتیست متفرند.

يك سوال که از حسین زاده باید کرد اینست که آیا رای بخشی از مردم در سال ۷۶ به خامنه ای رای به خامنه ای بود؟ جواب او مثبت است. رحمان حسین زاده در این نوشته به این سوال جواب مثبت میدهد و میگوید "در دوره های گذشته هم زیر فشار و یا با هر توجیهی آن بخش از مردم که در این بساط شرکت کردند، فقط به جانبان و سرکوبگران خود رای داده و اشتباه کرده اند"

اینکه بخشی از مردم با شرکت در انتخابات اشتباه کرده اند يك بحث است اما اینکه تمام رای های مردم رای به خامنه ای است فقط از يك ذهن غیر متوازن و اسیر منطق راست بیرون می آید. جالب است که این حزب خود را "حکمتیست" میخواند و وانمود میکند که از نظرات منصور حکمت پیروی میکند. بگذارید همینجا سیاه روی سفید نظر منصور حکمت را در مورد انتخاب خاتمی بیاوریم. منصور حکمت در يك اعلامیه به تاریخ ۷ خرداد سال ۷۶ با امضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری چنین نوشته

است: "مردم وسیعاً به خاتمی رای دادند، اما خاتمی منتخب هیچ مردمی نیست. در يك انتخابات آزاد که سهل است، حتی در انتخاباتی از نوع انتخابات ترکیه و پاکستان، امثال این موجودات صد رای نمیآورند. مردم به خاتمی رای دادند چون قصد از میان بردن این رژیم را دارند و خاتمی و قدرت گیری جناح مدافع او را ابزاری می دانند که می تواند فروپاشی رژیم اسلامی را تسهیل و تسریع کند. این آن حقیقتی است که همه، مردم، رژیم، رسانه ها، دول غربی و حتی محافل اپوزیسیون ملی کند ذهن و تازه دمکرات رژیم بخوبی می دانند."

آیا رحمان حسین زاده در مورد این بحث منصور حکمت که بارها هم از زبان او تکرار شده میتواند همان عبارات نازلی را بکار گیرد که که به سوی موضع کنونی حزب کمونیست کارگری پرتاب کرده است؟

روشن است که نه منصور حکمت و نه ما بهیچ وجه خواهان شرکت مردم در انتخابات کذایی حکومت نبودیم و هیچگاه آنرا تبلیغ نکرده ایم و نخواهیم کرد. برعکس حزب کمونیست کارگری از زمان منصور حکمت تاکنون سیاست "بایکوت انتخابات و خراب کردن بساط انتخابات بر سر رژیم" را تبلیغ کرده است. اما مردم هرچند هم با این سیاست موافق باشند در عمل توازن قوا را میسنجند و به شیوه خود عکس العمل نشان میدهند. این آن نکته ای است که جریانات راست و ملی اسلامی و توده ای - اکثریتی آنها کتمان میکنند و برخی جریانات چپ پا در هوا و سطحی نیز با يك ژست چپ مآبانه آب به آسیاب سیاستهای آنها میریزند.

مردم کردستان عراق حق دارند در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرند

از زمان اعلام فراندوم عمومی در کردستان عراق ولوله ای در کمپ ارتجاع در مخالفت با آن براه افتاده است. اینکه مسعود بارزانی و جریان ناسیونالیست با چه حسابگرایی به برگزاری فراندوم روی آورده و در آخرین لحظه عقب نشینی خواهند کرد یا نه بحث دیگری است. آنچه نفرت انگیز است این است که نیروهای ارتجاعی ای که در کشور خود حقوق مردم را پایمال میکنند نظیر جمهوری اسلامی و دولت سوریه و عراق و ترکیه در کنار دولت آمریکا سلاحهای خود را به رخ میکشند، مزدوران مسلح خود را به سوی مردم کردستان عراق کیش میدهند و تلاش میکنند مردم را از شرکت در فراندوم بترسانند. مردم کردستان عراق و مردم هر کشوری حق دارند هر وقت که مناسب تشخیص دهند برای تصمیم در مورد آینده خود فراندوم برگزار کنند و اگر خواستند مستقل شوند یا در کشور مادر بمانند. این حق پایه ای و بدیهی مردم است و دولتهای ارتجاعی باید با سد مخالفت و اعتراض همه مردم شریف و آزاده مواجه شوند و عقب رانده شوند. به خامنه ای و روحانی و اردوغان و قاسم

سلیمانی و ترامپ مربوط نیست که مردم کردستان عراق که سالهای سال زیر ستم و سرکوب و جنایات غیر قابل وصفی بوده اند امروز بخواهند در فراندومی برای آینده خود تصمیم بگیرند. این شاخ و شانه کشیدن ارتجاع جهانی و مزدوران آنها فقط به مردم کردستان عراق مربوط نیست. کل مردم آزادیخواه دنیا باید علیه این جبهه بایستند. این جبهه ضد انسانی ای است که در گوشه و کنار جهان برای حفظ بازار دزدی و چپاول و مفتخوری و برای حفظ سیستم و نظم استثمارگرانه و ستمگرانه سرمایه داری حاضر است علیه مردم دست به هر جنایت و تحرکی بزند و باندهای قومی و مذهبی و ارتجاعی را با توطئه بر مردم حاکم کند. اما علیرغم این مردم در بسیاری از کشورها آنها را عقب رانده اند و حقوق و آزادیهای مختلفی را به این نیروها و دولتها تحمیل کرده اند. نه فقط مردم کردستان عراق بلکه مردم سوریه و ایران و ترکیه و سایر کشورها ناچارند خود را تماما از شر این مفتخوران جنایتکار خلاص کنند و سرنوشت خود را خود بدست گیرند. این روندی است که بدون تردید آینده کشورهای منطقه و

سایر کشورها را رقم خواهد زد.

حزب کمونیست کارگری ایران تهدیدات نظامی و اقتصادی دولت های مختلف علیه فراندوم در کردستان عراق را شدیداً محکوم میکند و کلیه احزاب و تشکلهای کارگری و انسان دوست و مردم آزاده در ایران و در سراسر جهان را به حمایت از مردم کردستان عراق در برابر دولتهای ارتجاعی و ضد مردمی فرا میخواند. باید از حق پایه ای مردم کردستان عراق برای فراندوم و برای جدایی یا ماندن با عراق دفاع کرد. در عین حال باید نسبت به توطئه ها و سازشها و بازیهای سیاسی احزاب ناسیونالیست و قومی نیز هوشیار بود. مردم کردستان عراق حتی برای مقابله قاطعتر و شفافتر با دزدیها و سرکوبگریهای دولت اقلیم کردستان نیز به استقلال و جدایی از عراق نیاز دارند. حزب کمونیست کارگری از این حق بدیهی مردم کردستان عراق قاطعانه پشتیبانی میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ شهریور ۱۳۹۶، ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۷

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۶

دانشجویان بسیار وسیع است و با پیام های گرمی از این فراخوان اعلام حمایت شده است. جمله "همه می آیم" در پوستری در تدارک این روز بزرگ سراسری اعتراض در تمام این گروه ها نقش بسته است. یک نقطه قابل توجه در این تدارک دیدن ها فراخوان به خانواده های دانش آموزان برای شرکت در تجمع اعتراضی این روز است.

افزایش حقوقها به بالای ۴ میلیون خط فقر اعلام شده از

معلمان بازنشسته از شهرهای مختلف، گروههای مختلف تلگرامی از جمله گروههای پیگیری خواستهای بازنشستگان از شهرهای مختلف و اتحاد بازنشستگان به برگزاری ۱۳ مهر روز جهانی معلم فراخوان داده اند. گفتمان بر سر برگزاری با شکوه این روز در تمام گروههای مبارزاتی تلگرامی معلمان، بازنشستگان، کارگران،

کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی یک خواست مهم آنهاست. خواستهای معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، خانواده های دانش آموزان و کل جامعه است. اعتراض به تبعیض، نابرابری، اختلاس ها از جمله دزدی های میلیاردی از صندوق ذخیره فرهنگیان از دیگر محورهای مهم اعتراضات معلمان است. شعارهایی چون خط فقر ۴ میلیون، حقوق ما یک میلیون، بیمه کارآمد، درمان رایگان است، تحصیل رایگان

سوی دولت، تحصیل رایگان، درمان رایگان، لغو مدارس خصوصی و اعتراض علیه کالابی شدن آموزش و پرورش محورهای اصلی خواستهای معلمان شاغل و بازنشسته در تدارک روز جهانی معلم است. معلمان همچنین با شعارهایی چون جای معلم زندان نیست، به امنیتی کردن آموزش و پرورش خاتمه دهید، خواستار آزادی معلمان زندانی اسماعیل عبدی، محسن عمرانی، مختار اسدی، و محمود بهشتی هستند و لغو احکام امنیتی صادر شده برای

اشاره میکنند. وعده فضای حقوقی مناسب برای سرمایه گذاری در ایران را میدهد، از دول سرمایه داری جهان میخواهد که در استثمار و چپاول اموال جامعه شریک شوند. وعده میدهد که به تمامی قواعد بین المللی از کمی رایت و مالکیت فکری پای بند خواهند بود. اما از قرار دیگر گوش شنوایی نیست.

سخنان روحانی در اجلاس سازمان ملل تماماً ریاکارانه مختص حکومت اسلامی بود. اما این تنها یک روی سکه شارلانتیسمی است که اجلاس سازمان ملل شاهد آن است. در روی دیگر سکه باید به سخنرانی ترامپ و نتانیاهو پرداخت.

به نام نامی مردم ...

از صفحه ۷

میکند که "سال گذشته نیز نشان داد که اقتصاد ایران می تواند با پتانسیل رشد یک تریلیون دلاری در بیست سال پیش رو، امیدبخش ترین اقتصاد نوظهور جهان شود." در پاسخ باید گفت که "امید بخش ترین اقتصاد نوظهور" حتی یک شوخی بیمزه نیز نیست. فقر و فلاکت گسترده، فحشا، اعتیاد، کودکان خیابانی، بی خانمانی، گورخوابی بیان مناسبتری از این "امید بخش ترین اقتصاد" است. این اقتصاد "نوظهور" نیست، یک سرمایه داری در بن بست و بحران است. اما روحانی به ذخائر نفت و گاز

کردستان در ایران کاملاً ممکن است. مبارزه مردم کردستان برای تحقق این خواست جزئی از مبارزه همه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. از نظر ما نفس برسمیت شناسی یک همه پرسی آزاد و دموکراتیک بر سر مساله جدائی در کردستان ایران و پذیرش نتیجه آن هر چه باشد، در شرایطی که ناسیونالیسم فارس بر طبل تمامیت ارضی و تهدید علیه هر نوع جدائی طلبی و حتی خودمختاری میکوبد، یک گام مهم در جهت رفع ستم ملی و حل مساله ملی است و همه پرسی کردستان عراق تحول مثبتی در این راستا خواهد بود.

فراندوم در کردستان ...

از صفحه ۵

در دیگر کشورها خواهد داشت. از سوی دیگر نفس برگزاری همه پرسی در کردستان عراق، فراندوم و رجوع به رای مردم برای حل مساله ملی را به یک خواست و گفتمان رایج در منطقه تبدیل خواهد کرد و این فی النفسه امر مثبت و تحولی به نفع مردم تحت ستم ملی در مناطق کردستان است. این البته لزوماً به معنی صادر شدن خواست جدائی به مناطق دیگر نیست. بعنوان نمونه تا آنجا که به کردستان ایران مربوط میشود ما در ضمن دفاع از فراندوم، در شرایط حاضر از جدائی دفاع نمیکیم. چون از نظر ما رفع ستم ملی و برخوردای از حقوق شهروندی برابر برای مردم

بلوکهای قومی- اسلامی سیاستهای خود را به پیش ببرند. استقلال کردستان قبل از هر چیز این توازن قوای ارتجاعی را بر هم خواهد زد و در صورتی که نیروهای چپ و کمونیست درست عمل کنند این تحول میتواند به نفع کمپ کارگران و توده مردم زحمتکش و نیروهای چپ و آزادیخواه در منطقه تمام بشود. همانطور که بالاتر توضیح دادم طبقه کارگر در کشور مستقل کردستان از شرایط مطلوب تری برای پیشبرد مبارزه خود علیه بورژوازی برخوردار خواهد بود و این تاثیرات مثبتی بر مناطق کردستان

بخشی از مصاحبه منصور حکمت با رادیو انترناسیونال در مورد حقوق زنان

ما فرهنگ مردم را عوض میکنیم

۲۲ فوریه ۲۰۰۱



که مانع رساندن بیمار به دکتر شده... به همان چشم به کسی نگاه کنند که مانع درس خواندن دختری شده، مانع اشتغال زنی شده، یا مانع این شده که زنی هر لباسی میخواید بپوشد و به سر کار برود. ما فرهنگ را عوض میکنیم. بجای این که خودمان را عوض کنیم، یا حقیقتی که به آن معتقدیم زیر پا بگذاریم، آن فرهنگ را عوض میکنیم.

منصور حکمت: در تحلیل نهایی اگر زن در صحنه اقتصادی نابرابر باشد و اگر در صحنه اقتصادی تحت تبعیض باشد، در صحنه سیاسی و فرهنگی نمیتواند برابر باشد، در تحلیل نهایی اینطور است. ولی این به آن معنا نیست که باید صبر کرد تا اول زن در اقتصاد برابر بشود و بعد رفت به سراغ حقوق فرهنگی و سیاسی، و برابری را جستجو کرد. این اصلا و ابدا به این معنا نیست. همه اینها باید موازی با هم پیش برود و فورا باید پیش برود.

سیاست ما این است: از همان روز اولی که در آن مملکت دستان بجایی بند شود، اعلام میکنیم که زن و مرد برابرنند، همه قوانین تبعیض آمیز فعلی را لغو اعلام میکنیم، اعلام میکنیم که حقوق مدنی زن و مرد یکی است، اعلام میکنیم حقوق سیاسی زن و مرد یکی است، اعلام میکنیم حقوق فرهنگی زن و مرد یکی است، اعلام میکنیم اختیاراتشان بر خودشان، بر خانواده شان، بر محیط زندگیشان، بر محیط کارشان عین همدیگر است و اعلام میکنیم در عرصه شغلی و کاری و غیره زن و مرد حقوق کاملا برابری دارند. این را اعلام میکنیم و از آنجا که بشکل قانون درمی آید، و فورا این کار را میکنیم و نه در یک روند تدریجی که حالا قوانین را یکی

سؤال: حزب کمونیست کارگری را عده زیادی، حالا آنها که سعی میکنند لحن تعدیلی در انتقاد خودشان بگیرند، اینطور میگویند که صحبت‌های شما خیلی خوب، ولی این مطالباتی که شما در مورد حقوق زنان فرضا دارید در جامعه‌ای مثل ایران قابل پیاده شدن نیست چون فرهنگ مردم عقب است. شما در مقابل این انتقاد چه میگویید؟

منصور حکمت: ما فرهنگ مردم را عوض میکنیم. بجای این که شما بیایید نیمی از جامعه را قربانی بکنید، میتوانی آن فرهنگ را قربانی بکنید. خیلی ساده است! ما مردم مترقی و پیشرو آن مملکت را بسیج میکنیم و سازمان میدهم. ما کنار هر مدرسه دخترانه یا هر مدرسه مختلطی که قرار است در آن مملکت وجود داشته باشد، رادیکالهایی را میگذاریم که جلوی اوباش را بگیرند. ما قوانینی را میگذاریم و این قوانین را با بودجه‌هایی تضمین میکنیم که ضامن شرکت زنان در فعالیت اجتماعی باشد، جلوی تحریک علیه آنها را بگیرد، جلوی نیروهای قشری و عقب مانده را بگیرد. ما کاری خواهیم کرد که کسی که مزاحم امر رهایی زن و امر برابری زن و مرد بشود، جامعه او را به چشم خطا کار نگاه کند، درست مثل کسی که مزاحم بهداشت مردم شده، کسی که مزاحم خوشبختی آدمها بطور کلی شده، درست مثل کسی که از اموال دولتی و اموال کشور اختلاس کرده، درست مثل کسی

سؤال: ببینید، در برنامه یک دنیای بهتر به تمام عرصه‌ها

ندارند که کلا خواهان استقلال از آمریکا بشوند، برای مثال در فلان کشور. و وقتی صحبت بر سر حقوق ملی شان است هیچ چیزی را زیاددوری نمیدانند و همه چیز را میخواهند. وقتی صحبت بر سر حقوق تجاری آنهاست، مثلا وقتی میگویند ما باید فلان صنعت خودمان را خودمان بدست بگیریم و فلان مالیات را از دوش ما بردارید، هیچ اشکالی نمیبیند که بگوییم "من این را میخواهم و باید اجرا بشود". وقتی کار به زنها میرسد، همه میگویند، آقا زود است، حالا فعلا نه، با فرهنگمان جور نیست و غیره و غیره. ما با این استدلال هیچ سازی نداریم. ما این خط را قبول نداریم... درست مثل حقوق کارگری، مثل حقوق اقتصادی کارگران. ما روزی که سر کار بیاییم - امیدوارم ما بتوانیم سر کار بیاییم - همان روز حداقل دستمزدی را حداقل اعلام میکنیم که یک خانواده بتواند با آن زندگی کند، بگذار هر کس که میخواهد با آن مخالف باشد.

پس از دیگری چکش کاری کنیم. بعنوان یک بیانیه پیروزی انقلاب ما این را اعلام میکنیم و از فردای آن روز اینها قانون است. وقتی این قانون است باید اجرا بشود. حالا این که در جریان اجرایش کار چقدر طول میکشد، چند مدیر کارخانه مقاومت میکنند، یا چند مدیر و معلم مدرسه مقاومت میکنند، آن روندی است که ممکن است در آن کار فائق آمدن به این مقاومتها، روشنگری درباره آنها، بدست آوردن منابع و امکانات کافی برای ایجاد عملی این برابری، بودجه بدست آوردن برای کارها و غیره، اینها ممکن است طول بکشد. اما بعنوان قانون فورا اعلام میکنیم و اگر از فردای آن روز معلوم شود که در جایی زنی در موقعیت نابرابر با مرد هست، مسبب آن قضیه کاری خلاف قانون و خلاف حق مدنی کس دیگری انجام داده و با قانون روبرو میشود. در نتیجه از نظر ما این زیاده طلبی نیست، عین حقیقت است. اگر عکس این بود، اگر فرض کنید همین جنبش ملی - اسلامی که ما را به زیاده طلبی متهم میکنند، هیچ مشکلی

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید